



Designing a moral education curriculum model based on Ayatollah Javadi Amoli's point of view

Mahmoud Omidi¹ | Mehdi Sobhani Nejad² | Mohammad Hasan Mirza Mohammadi³ | Mohsen Imani⁴

Abstract

The current research was conducted with the aim of designing a moral education curriculum based on Javadi Amoli's point of view. The research method was analytical-inferential. All the first-hand works of Javadi Amoli constituted the necessary documents for designing the curriculum, from which the materials related to the philosophical foundations and elements of the curriculum were purposefully selected. Materials related to philosophical foundations and ethical propositions were extracted and deduced in seven steps by the model proposed by Claizi (1978) and were manifested under the elements of the curriculum. The results showed that the curriculum of moral education is the activities that are expected to create knowledge, traits and moral behaviors in the teacher and includes four elements: goals, content, teaching-learning methods and methods of evaluating academic progress. The following goals are of two categories: the final (the teacher reaches the position of divine successor and closeness to absolute perfection) and intermediate (knowing the various aspects of oneself, knowing God, thinking before doing an act, following the truth in matters and moral judgments, knowing and acting on responsibilities, Strengthening will power, seeing beauty in God's actions, getting ready to serve the people, The knowledge of worldly and hereafter results of intentions and moral actions) was regulated. The content should serve the goals and should have guidelines such as variety of formats, derived from the Quran and traditions, influenced by the atmosphere of the times, taking into account the history and literature of Iran and Islam, wise fit, firmness and tenderness. Teaching methods are mostly logical, deductive and emotional. The evaluation methods also include self-evaluation, teacher's opinion and judgment, active participation of parents and team evaluation of academic progress, which are particularly reassuring and all of them are set and introduced in the service of moral learning of the teacher and are far from linearity and anxiety.

Keywords: Moral Education; Curriculum; Pattern Design; Javadi Amoli's Point of View.

DOR: 20.1001.1.22516972.1401.30.57.5.6

PhD student of philosophy of education, Shahed University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Corresponding author: Associate Professor, Department of Educational Sciences, Shahid University of Tehran, Tehran, Iran. Msnd47@gmail.com

3. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Shahid University of Tehran, Tehran, Iran.

4. Associate Professor, Department of Philosophy of Education, Tarbiat Modares University, Tehran.



طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی بر اساس دیدگاه آیت الله جوادی آملی^۱

محمود امیدی^۲ | مهدی سبحانی نژاد^۳ | محمد حسن میرزا محمدی^۴ | محسن ایمانی^۵

چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی بر اساس دیدگاه جوادی آملی انجام شد. روش پژوهش تحلیلی-استنتاجی بود. تمامی آثار دست اول جوادی آملی مستندات لازم برای طراحی برنامه درسی را تشکیل می‌دادند که از میان آن‌ها مطالب مرتبط با مبانی فلسفی و عناصر برنامه درسی به صورت هدفمند انتخاب شدند. مطالب مرتبط با مبانی فلسفی و گزاره‌های اخلاقی توسط مدل پیشنهادی کلایزی (۱۹۷۸) در هفت گام مورد استخراج و استنتاج قرار گرفتند و ذیل عناصر برنامه درسی تجلی یافتند. نتایج نشان داد که برنامه درسی تربیت اخلاقی فعالیت‌هایی است که به منظور ایجاد دانش، صفات و رفتارهای اخلاقی در مرتبه پیش‌بینی می‌شود و شامل چهار عنصر اهداف، محتوا، روش‌های یاددهی-یادگیری و روش‌های ارزشیابی پیشرفت تحصیلی است. اهداف ذیل دو دسته غایی (رسیدن مرتبه‌ای به مقام خلیفه‌اللهی و قرب به کامل مطلق) و واسطه‌ای (شناخت جنبه‌های گوناگون خویش، شناخت خدا، اندیشیدن قبل از انجام عمل، تبعیت از حق در امور و قضاوت‌های اخلاقی، آگاهی و عمل به مسئولیت‌ها، تقویت نیروی اراده، زیبایی‌بینی در افعال خدا، کسب آمادگی برای خدمت به خلق، معرفت بر نتیجه دنیوی و اخروی نیات و عملکردهای اخلاقی) تنظیم شد. محتوا در خدمت اهداف بوده و می‌بایست واجد دستورالعمل‌هایی چون تنوع قالبی، منبعث از قرآن و روایات، تأثیرپذیر از فضای زمانه، در نظر داشتن تاریخ و ادبیات ایران و اسلام، تناسب حکیمانه، صلابت و لطافت باشد. روش‌های یاددهی-یادگیری رویکردی منطقی، شبهه زدایانه و عاطفی دارند. روش‌های ارزشیابی نیز شامل خودارزیابی، نظر و قضاوت مربی، مشارکت فعال والدین و ارزیابی تیمی پیشرفت تحصیلی می‌باشند که اطمینان‌آوری خاصی دارند و همگی در خدمت یادگیری اخلاقی مرتبه‌ای تنظیم و معرفی شده‌اند و به دور از خطی‌نگری و اضطراب هستند.

کلیدواژه‌ها: تربیت اخلاقی؛ برنامه درسی؛ طراحی الگو؛ دیدگاه جوادی آملی.

DOR: 20.1001.1.22516972.1401.30.57.5.6

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شاهد با عنوان «تبیین مبانی فلسفی تربیت اخلاقی

از دیدگاه آیت الله جوادی آملی و استنتاج دلالت‌های آن در برنامه درسی دوره متوسطه دوم» است.

۲. دانشجوی دکتری، فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شاهد تهران، تهران، ایران

Msnd47@gmail.com

۳. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شاهد تهران، تهران، ایران

۴. دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شاهد تهران، تهران، ایران

۵. دانشیار، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

مقدمه

بحث اخلاق از جمله مباحث مهم علمی و خلقی است که از قرون گذشته تا به امروز همواره مورد بررسی اندیشمندان بوده است. اکثر فلاسفه و اندیشمندان از قدما و متأخرین، فضائل اخلاقی را از ارکان اساسی سعادت بشر به حساب آورده و آن را مایه تعالی و تکامل مادی و معنوی می‌دانند. اینان عقیده دارند که صفات حمیده و خلقیات پسندیده عامل وظیفه‌شناسی و معیار زندگی انسانی است. جوامع بشری در پرتو اخلاق خوب می‌توانند پیوندهای درستی را بین خود محکم کنند، از حسن روابط اجتماعی برخوردار گردند، در رفاه و آسایش زندگی نمایند و بر موفقیتی که شایسته مقام انسانی است دست یابند (فلسفی، ۱۳۸۷: ۱).

از دیدگاه اسلام اخلاق در کنار اعتقادات و احکام فقهی، به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی معارف دینی مطرح است، و افزودن بر آن ملکات اخلاقی شاکله انسان و صورت باطنی او را می‌سازد و انسان به کسب فضائل در یک مسیر صعودی سیر می‌کند، تحقق فضائل اخلاقی در انسان از اصلی‌ترین اهداف تربیتی شمرده شده و حتی فلسفه بعثت پیامبر (ص) هم برای تکامل اخلاقی، عنوان شده است. پیامبر گرامی اسلامی هدف از مبعوث شدن خود را این چنین بیان می‌فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» براستی که من مبعوث شده‌ام تا شرافت‌های اخلاقی را کامل و تمام کنم (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶: ۲۱۰).

نظام رسمی و عمومی نیز پرورش اخلاقی دانش‌آموزان را جزء اهداف و برنامه‌های مهم خود قرار داده است. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش کشور (۱۳۹۰) تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی به‌عنوان محور تمامی برنامه‌های تربیتی در مدارس مطرح شده و به حق، بر سایر ساحت‌های تربیتی برتری یافته است بنابراین داشتن یک برنامه درسی منسجم و معقول در حوزه تربیت اخلاقی می‌تواند نظام آموزشی ما را در راه رسیدن به غایت تربیت اسلامی یاری نماید.

در پی این امر مقاله حاضر می‌کوشد تا نظریات خاص جوادی آملی نسبت به تربیت اخلاقی را بررسی می‌کند تا به یک برنامه درسی مطلوبی برسد. دیدگاه جوادی آملی به‌عنوان یک فیلسوف دینی و شخصیت عرفانی و متخصص که با آثار فراوان علمی جوامع اسلامی معاصر را تحت‌تأثیر نگرش‌های خود قرار داده؛ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نگاه جوادی آملی به تربیت انسان

نگاهی است جامع که به تمام ابعاد آدمی به نحو شایسته توجه نموده است. این نگاه یعنی ذوابعاد در نظر گرفتن انسان و استعدادهای فطری و عقلانی او مبتنی بر آموزه‌های قرآنی و سیره اهل بیت (ع) است می‌باشد. طبق این نگاه انسان بهره‌مند از حیات الهی است، انسان یعنی حی متأله یعنی هم حیات ناتمام و هم حیات کاملاً الهی دارد. اما چون این حیات و وجود الهی احاطه یافته با ماده و هواهای نفسانی می‌باشد نیاز است که آن را از این سیطره نجات داد و تربیت اخلاقی مأخوذ از گزاره‌های فلسفی من جمله راه‌های نجات است.

مبانی نظری

تربیت اخلاقی

تربیت، فرایند یاری‌رسانی به متربی برای ایجاد تغییرات تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری است که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دستیابی به کمال انسانی و شکوفا کردن استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهایش صورت می‌گیرد (اعرافی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۴۱). اخلاق نیز عبارت است از ملکات نفسانی و هیئات روحی که باعث می‌گردد کارهای زشت یا زیبا به آسانی از نفس متخلق به آن اخلاق خاص نشأت بگیرد (جوادی آملی، ۱۳۹۵ الف: ۷۳). با فهم معنای تربیت و اخلاق می‌توان تربیت اخلاقی را به فرایند به کار بستن سازوکارهای آموزشی و پرورشی برای دریافت گزاره‌های اخلاقی و شناختن و شناساندن فضیلت‌ها و رذیلت‌ها، و زمینه‌سازی برای ایجاد نگرش و روی آوردن به اخلاق نیکو و پایبندی و عینیت دادن به ارزش‌های اخلاقی به منظور رسیدن به سعادت و کمال جاودانه تعریف کرد (بهشتی، ۱۳۸۱: ۱۸)؛ به دنبال فهم معنوی زندگی و احساس اخلاقی در حیات است؛ تا انسان را در گرفتاری‌های زندگی کنونی و آینده یاری کند. در واقع، تربیت اخلاقی از آن‌رو ارزشمند است که شخص واجد آن فضایل، کامل و سعادتمند به‌شمار می‌رود. با چشم‌پوشی از بعد دینی اخلاق، فضائل اخلاقی از ضروریات جامعه سعادتمند و با فضیلت است (عرسان کیلانی، ۱۳۸۶: ۴۲-۴۳).

برنامه درسی تربیت اخلاقی

برنامه درسی یک برنامه تربیتی است که به دنبال فراهم کردن موقعیت و فرصت مناسب برای تغییر در ابعاد مختلف شخصیت فرد می‌باشد و منظور از برنامه درسی تربیت اخلاقی این است: «مجموعه‌ای منظم، پیوسته و هدفمند از عناصر اصلی تربیت اخلاقی که با ساختاری معین بر اساس مبانی فلسفی حاکم بر آن به منظور ارتقای بینش، گرایش و کنش اخلاقی متریان طراحی می‌گردد» (نجفی، ۱۳۹۶: ۱۵). در مقاله حاضر برنامه درسی تربیت اخلاقی در قالب و فرمت الگوی تایلر^۱ (۱۹۴۹) طراحی می‌شود، از نظر تایلر در یک برنامه درسی وجود چهار عنصر اهداف، محتوا، روش‌های یاددهی - یادگیری و روش‌های ارزشیابی ضروری است. اهداف وضعیت و جایگاهی است که مربی به دنبال اجرای برنامه تربیت اخلاقی باید به آن دست یابد. محتوا آن چیزی است که بایستی مربی در موضوع تربیت اخلاقی یاد بگیرد و به آن عمل کند. روش‌های یاددهی - یادگیری طریقه‌ای است که محتوا در آن به مربی ارائه می‌شود تا او با آن به تعامل پردازد. روش‌های ارزشیابی نیز به دنبال کنترل کمی و کیفی اجرای برنامه تربیت اخلاقی بر مبنای اهداف تعیین شده هستند. از الگوی تایلر در نظامات آموزشی متمرکز استقبال زیادتری شده است و چون نظام آموزشی ایران هم از سیستم تصمیم‌گیری متمرکز بهره می‌گیرد و تصمیمات کلان و خرد در مورد عناصر برنامه درسی دوره‌های تحصیلی در سازمانی به نام «پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» اتخاذ می‌شود، انتخاب موجهی می‌تواند باشد. در این ارتباط کنعانی هرنیدی، نوریان، نوروزی و عبایی کوپایی (۱۳۹۷: ۱۲۹) معتقدند که الگوی تایلر از «قدمت»، «سادگی»، «شفافیت»، «مرحله‌ای بودن»، «تطبیق با دانش عملی معلمان ایرانی» تطبیق دارد و از سوی دیگر با «متمرکز بودن نظام آموزشی ایران» همسویی بیشتری دارد.

1. Tyler

طراحی الگوی برنامه درسی

الگوی برنامه درسی^۱ شکل معین، چارچوب و انگاره‌ای از فرصت‌های یادگیری است که به طراحان کمک می‌کند تا منطق شفاف و نظام‌مندی را برای استفاده از رهیافت‌های تدریس، یادگیری و ارزشیابی به کار گیرند (اونیل^۲، ۲۰۱۵). طراحی برنامه درسی^۳ هم نقشه مفهومی برای تولیدکنندگان برنامه درسی و یکی از اساسی‌ترین موضوعات برنامه درسی به شمار می‌آید که ناظر به شناسایی و تعیین ویژگی‌های عناصر تشکیل‌دهنده برنامه درسی و نوع تصمیم‌هایی است که درباره هر یک از آن‌ها گرفته شود (اورنشتاین و هانکینز^۴، ۲۰۱۸). در دیدگاه ملکی (۱۳۸۵) نیز طراحی برنامه درسی، فرایندی است که مستلزم مراحل مبانی برنامه درسی، تعیین اهداف، انتخاب محتوا، روش تدریس و روش ارزشیابی است.

پیشینه پژوهش

جدول ۱: پیشینه‌های داخلی مرتبط با مبانی فلسفی و عناصر برنامه درسی تربیت اخلاقی

پژوهشگر/پژوهشگران	عنوان پژوهش	خلاصه‌ای از یافته‌ها
غلام پور، پورشافعی، فرستخواه، آیتی (۱۴۰۰)	تبیین عناصر برنامه درسی تربیت اخلاقی با توجه به سیره رضوی	اهداف برنامه درسی تربیت اخلاقی باید کثرت‌گرا، انعطاف‌پذیر، غایت‌گرا و دموکراتیک باشد، روش‌های تربیت اخلاقی ایجابی، اصلاحی، روش‌های فعال، روش‌های مستقیم و روش‌های غیرمستقیم است. یادگیرنده، خودانگیخته، تعامل‌گرا، مستقل و مسئولیت‌پذیر است و معلم دارای مهارت‌های حرفه‌ای، مهارت‌های ارتباطی، آراسته به فضایل اخلاقی و آراستگی ظاهری است؛ ارزیابی فرایند تربیت اخلاقی فرایندی مستمر، جامع بوده و در آن به خودسنجی و اصل اعتدال توجه می‌شود و محیط یادگیری، دارای جوی اخلاقی و دینی است.

1. Curriculum Design Pattern
2. O'Neill
3. Curriculum Design
4. Ornstein & Hunkins

پژوهشگر/پژوهشگران	عنوان پژوهش	خلاصه‌ای از یافته‌ها
گندم کار، قلتاش، هاشمی، ماشینیچی (۱۳۹۸)	طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم مبتنی بر نظریه برخاسته از داده‌ها	طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم به عنوان مقوله محوری بر مبنای شرایط علمی «سیاست‌ها و اهداف محیطی» و از طریق راهبردهای «مشارکت معلمان در تولید برنامه درسی» و «تعامل مستمر با مراکز علمی» با در نظر گرفتن «ویژگی پذیرندگان» (به عنوان زمینه الگو) محقق می‌شود و به تحقق «پیامدهای آموزشی و پرورشی» منجر می‌شود.
عباسپور، عصاره، سبحانی نژاد، احقر (۱۳۹۸)	طراحی و اعتبارسنجی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه اول با تأکید بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران	ضرورت توجه به رویکرد شایستگی محور در تعیین اهداف، چرخش از شیوه تلفیقی به شیوه تفکیکی و مستقل در سازماندهی و ارائه محتوا، توجه به راهبردهای فعال مسأله محور و عملی در فرایند یاددهی - یادگیری و بهره گیری از شیوه ارزشیابی مستمر مبتنی بر عملکرد و ارائه بازخورد اصلاحی مورد نظر بوده است.
ولدخان، بشارتی و ولدخانی (۱۳۹۶)	تحلیلی بر تربیت اخلاقی با تکیه بر مولفه‌های سازنده آن در اندیشه آیت الله جوادی آملی	آنچه از ترکیب مؤلفه‌های اخلاق و تربیت در اندیشه این متفکر مسلمان حاصل می‌شود بر مفهوم ایجابی کسب ملکات و هیئات فاضله توسط انسان و مبادرت به انجام عمل نیک از روی سهولت به گونه‌ای که کمالات، اوصاف و ارزاق لازم برای تکامل را اخذ نماید، دلالت دارد.
دولت (۱۳۹۶)	آرای انسان‌شناختی آیت الله جوادی آملی و دلالت‌های آن در علوم تربیتی	تربیت فرایندی عقل محور است که ضمن اصالت بخشیدن به حیات متألهانه و حرکت در مسیر غایت آفرینش انسان، روابط مکانیکی را نفی می‌کند و پرورش عقل نظری را در سایه آزادی، مهم ترین وجهه همت خویش قرار می‌دهد.
افکاری (۱۳۹۲)	شناسایی و نقد رویکردهای تربیت اخلاقی و ارائه الگوی برنامه درسی	تربیت اخلاقی بیشتر جنبه پند و اندرز دارد تا ارائه رهنمودهای عینی اخلاقی و برای کاربردی نمودن آن‌ها به ندرت برنامه و فعالیتی پیش‌بینی شده است.

پژوهشگر/پژوهشگران	عنوان پژوهش	خلاصه‌ای از یافته‌ها
شاملی، ملکی و کاظمی (۱۳۹۰)	برنامه درسی، ابزاری برای نیل به تربیت اخلاقی	در ارائه معارف اخلاقی در قالب برنامه درسی باید آن طرافت به خرج داد و توجه به بعد زیباگرایی انسان توجه کرد.

همان‌طور که مشاهده می‌گردد پژوهش جدی‌ای به امر طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی از دیدگاه جوادی آملی انجام نگرفته است و این شکاف نظری به شدت احساس می‌گردد.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش تحلیلی-استنتاجی است. تمامی آثار دست اول جوادی آملی مستندات لازم برای طراحی برنامه درسی را تشکیل می‌دهند که از میان آن‌ها مطالب مرتبط با مبانی فلسفی و عناصر برنامه درسی به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. هدفمندی بدین صورت بوده است که مستندات اخلاقی و تربیتی در اولویت قرار گرفته‌اند و انتظار از آن‌ها نسبت به دیگر مستندات قرآنی و فلسفی ایشان به مراتب بیشتر بوده است و محققان را سریع‌تر و عمیق‌تر به مقصود می‌رساند. داده‌ها با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای و فرم‌های فیش‌برداری گردآوری و توسط مدل پیشنهادی کلایزی^۱ (۱۹۷۸) مورد استخراج و استنتاج قرار می‌گیرند. مدل کلایزی دارای هفت است، در گام اول اطلاعات موجود در محیط پژوهش (نمونه پژوهش) چند بار مطالعه شد و سعی گردید به درک عمیقی از آن‌ها رسید. در گام دوم کلیدواژه‌ها و عبارات مناسب برای جستجوی هدفمند مشخص شدند. در گام سوم معانی موجود در عبارات و دیدگاه‌های جوادی آملی فرموله شد یعنی مفاهیم پنهان روشن گردید. در گام چهارم مضامین خام ذیل خوشه‌های مبانی و عناصر برنامه درسی تربیت اخلاقی استخراج شدند. پردازش و ترکیب داده‌های به دست آمده گام پنجم بود. در گام ششم مجدداً به دیدگاه‌های جوادی آملی مراجعه شد تا داده‌های به دست آمده مورد اعتباریابی قرار گیرد و اگر نیازی به ویرایش هست انجام شود، به عبارتی استنباط‌های نهایی در مورد مبانی و عناصر برنامه درسی در این گام انجام شد. گام هفتم نیز تنظیم و ویرایش نهایی مربوط به هر مبنا و عنصر بود. کلیه گام‌های هفت‌گانه توسط محقق اول و سه نفر از متخصصانی که با تحقیق

1. Colaizzi

کیفی آشنایی دارند انجام شد. در مورد سنجش روایی یا به عبارت بهتر کنترل اصالت و اعتباریابی استنباطها و تحلیلها از یک نفر متخصص مطالعات برنامه درسی فعال در عرصه تربیت اخلاقی، یک نفر متخصص فلسفه اخلاق، یک نفر از شاگردان جوادی آملی و چهار نفر از معلمان درس دین و زندگی دوره دوم متوسطه استفاده شد که همگی آنها در فضای اسکای روم^۱ اعتبار الگورا بررسی و پس از سه مرحله رفت و برگشت و اصلاحات انجام شده تأیید کردند.

سؤالات پژوهش

۱. مبانی فلسفی تربیت اخلاقی در دیدگاه جوادی آملی کداماند؟
۲. الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی مبتنی بر مبانی فلسفی دیدگاه جوادی آملی چه ویژگی‌هایی دارد؟

یافته‌ها

۱- مبانی فلسفی تربیت اخلاقی در دیدگاه جوادی آملی کداماند؟

منظور از مبانی فلسفی گزاره‌های هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی هستند که توصیف‌کننده حقیقت هستی، انسان، معرفت و ارزش می‌باشند و از طریق مراجعه به آنها می‌توان نقشه تربیتی مطلوبی طراحی نمود و به اهداف، اصول و روش‌های اثربخش رسید. در زیر مبانی چهارگانه فلسفی برای بهره‌برداری در برنامه درسی مورد نظر مقاله نشان داده می‌شوند:

جدول ۲: مبانی فلسفی تربیت اخلاقی در دیدگاه جوادی آملی

مبانی هستی‌شناختی	الف) جهان دارای مبدأ و معاد است. ب) جهان هدفمند خلق شده است. ج) نظام هستی نظامی احسن است. د) حق در جهان هستی حاکم است.
-------------------	---

1. <https://www.skyroom.online/webinar/>

<p>(الف) انسان، موجودی مرکب از حیثیت طبیعی و فراطبیعی است. (ب) حقیقت انسان به روح الهی اوست. (ج) انسان خداجوست. (د) انسانی در پیشگاه الهی موجودی واجد کرامت است. (ه) انسان مکلف به انجام تکلیف الهی است. (و) انسان ذاتاً موجودی فقیر است. (ز) انسان موجودی خُر است. (ح) انسان فطرتاً گرایش به اخلاق دارد. (ط) انسان همواره در حال حرکت صعودی است. (ی) انسان در تمام احوال ظاهری و باطنی خود در مشهد و منظر الهی است. (ک) انسان خواهان حیات جاوید است.</p>	<p>مبانی انسان‌شناختی</p>
<p>(الف) امکان شناخت برای انسان فراهم است. (ب) راه‌های مختلفی جهت شناخت حقیقت موجود است. (ج) معارف دین اسلام جامع است.</p>	<p>مبانی معرفت‌شناختی</p>
<p>(الف) عقل و اولیای الهی راهنمایان شناخت زیبایی یا زشتی افعال هستند. (ب) هنر اشاعه‌دهنده مفاهیم اخلاقی، غنی است. (ج) هنری که به کمال هستی برمی‌گردد، زیبایی و جمال حقیقی است. (د) منشأ گزاره‌های اخلاقی عینی و واقعی است. (ه) گزاره‌های اخلاقی قابل تجربه و حجت‌پذیر هستند. (هـ) پایگاه گزاره‌های اخلاقی ثابت و کلی هستند. (و) تغییر اخلاق انسان امکان‌پذیر است.</p>	<p>مبانی ارزش‌شناختی</p>

کلید مبانی فلسفی مذکور در جدول فوق از مستندات و آثار دست اول جوادی آملی استخراج و به‌عنوان پایه‌ای برای طراحی عناصر برنامه درسی مفروض گرفته شده‌اند.^۱ البته شاکله کلی این جدول در مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هم موجود است که نشان‌دهنده توجه به این سند بالادستی و تحولی در پژوهش حاضر می‌باشد.

۱. رک: امیدی، محمود (۱۴۰۰). تبیین مبانی فلسفی تربیت اخلاقی از دیدگاه آیت الله جوادی آملی و استنتاج دلالت‌های آن در برنامه درسی دوره متوسطه دوم. رساله دکتری. دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد.

۲- الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی مبتنی بر مبانی فلسفی دیدگاه جوادی آملی چه ویژگی‌هایی دارد؟

۲-۱- اهداف

با توجه به دیدگاه جوادی آملی درباره‌ی مبانی فلسفی، اهداف تربیت اخلاقی از نظر ایشان را می‌توان در دو دسته غایی و واسطه‌ای جای داد. هدف غایی، کلی‌ترین و مهم‌ترین مطلوب و مقصودی هستند که به دنبال آن‌ها هستیم و اهداف واسطه‌ای اهدافی هستند که در عین مطلوب بودن، خود واسطه‌ای برای رسیدن به هدفی غایی می‌باشند و در راستای آن قرار می‌گیرند.

۲-۱-۱- هدف غایی

شناخت از هدف غایی تربیت اخلاقی از راه شناخت آغاز و انجام خلقت انسان صورت می‌گیرد. به نظر محقق هدف غایی تربیت اخلاقی در دیدگاه جوادی آملی «رسیدن متری به مقام خلیفه‌اللهی و قرب به کامل مطلق» است. ایشان در این زمینه در کتاب «صورت و سیرت انسان در قرآن» نوشته‌اند که غایت وجودی انسان، خلیفه خدا شدن است و برای رسیدن به این غایت، مسلماً مسیری باید پیموده شود. این مجرا و مسیر، دارای دو بخش است: یکی علم و دیگری عمل. یعنی انسان برای نیل به آن مقام منبع، یک سلسله از حقیقت‌ها را باید بفهمد و یک دسته از کارها را باید انجام دهد؛ زیرا خدای سبحان، علیم است و قدیر. علم او مصون از سهو و نسیان و خطا و مغالطه است و قدرت او منزّه از حیف و عسف و جور و قسط^۱. خلیفه او نیز باید مظهر این علم و قدرت الهی باشد. پس کسی که عالم نیست، خلیفه خدا نیست. آن که عالم است ولی قدیر نیست (تا هر چه را مطابق علم الهی است، انجام دهد و هر چه را مطابق آن نیست، ترک کند) او نیز از خلافت الهی، بهره‌ای ندارد. بنابراین بخشی از کمالات انسانی به علم صائب و بخش دیگر آن به عمل صالح، باز می‌گردد. مقصود از علم و عمل در این بحث، عبارت است از ملکات علمی نظیر شناخت معارف کلی و ملکات عملی مانند اوصاف نفسانی (از قبیل عدالت، مساوات، موااسات، ایثار، احسان، زهد، قناعت و...) (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۵۹-۱۵۸). در جای دیگری نیز نوشته‌اند پروردگار عالم، قرآن و دیگر کتاب‌های آسمانی را برای پرورش انسان و شکوفایی استعداد او از

۱. این چهار کلمه در معنای ستم و بی‌عدالتی به‌کار رفته است.

لحاظ تذکیه عقل و تزکیه روح و تضحیه نفس، تدوین و ارسال فرموده است تا آدمی، خلیفه خدا شود و اگر چنین گردد، همه چیز برای او زیبا جلوه می کند (همان: ۲۴۱). طبق این هدف غایی بالاترین مرتبه‌ی وجودی انسان مرتبه‌ی الهی اوست که روحانی بوده و نهایت سیر تکاملی انسان محسوب می شود. کسی که به این مرتبه دست می یابد نسبت به دیگر موجودات برتری خاصی پیدا می کند و به مقام خلافت خداوند در روی زمین می رسد. این برتری مخصوص بُعد روحانی انسان است و تمامی انسان ها می توانند با توجه به قابلیت و سیر روحانی خود به درجاتی از مقام خلافت خداوند دست یابند. به نظر می رسد یکی از دلایلی که موجب شده است که تنها انسان بتواند به مقام خلافت خداوند برسد، دارا بودن روح ملکوتی از یک سو و داشتن سیر تکاملی از سوی دیگر است. چون دیگر موجودات فقط یکی از این دو جنبه را دارند، یعنی یا مانند فرشتگان هستند که روح ملکوتی دارند، ولی مقام و جایگاه آن ها معلوم است و سیر تکاملی ندارند و یا مانند حیوانات هستند که دارای سیر تکاملی مادی هستند، ولی دارای روح ملکوتی نیستند. بنابراین تمامی انسان ها می توانند با استفاده از ویژگی های روحانی و فطرت خداجوی خود، در مسیر حرکت به سوی خداوند گام بردارند و به بالاترین مراتب تکاملی خود که مرتبه‌ی الهی است برسند و با برتری بر دیگر موجودات به عنوان خلیفه و جانشین خداوند بر روی زمین مطرح شوند. پس عالی ترین هدفی که متربی تربیت اخلاقی باید در پی دستیابی به آن باشد، رسیدن به مقام خلافت و جانشینی خداوند و قرب به بی نهایت است. بر این اساس، متربیان هر کدام به تناسب حدود ذاتی و غیراختیاری خود می توانند با تلاش اختیاری به بالاترین سطح از قرب که حدود وجودی آن ها اجازه می دهد و ظرفیت آن را دارند دست یابند (جوادی آملی، ۱۳۸۹ الف: ۲۲).

۲-۱-۲- اهداف واسطه‌ای

اهداف واسطه‌ای، مجموعه‌ای از غایت های کلی هستند که باید برای دست یافتن به هدف غایی فوق‌الذکر شناخته شوند. این اهداف مسیر حرکت برنامه تربیت اخلاقی را مشخص می کنند و از به هم پیوستن آن ها هدف غایی حاصل می شود. در ادامه با محور قرار دادن مبانی فلسفی و دیدگاه های جوادی آملی به اهداف واسطه‌ای تربیت اخلاقی اشاره می گردد:

۲-۱-۲-۱- شناخت جنبه‌های گوناگون خویشتن

در فرایند تربیت اخلاقی شناخت جنبه‌های گوناگون خویشتن برای متربی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ چرا که او با این اقدام به استعدادها، توانمندی‌ها، تحولات و ویژگی‌های خود پی می‌برد، و ضعف، فقر، نیازمندی و وابستگی به قدرت لایزال خداوندی را در خود می‌بیند و این زمینه‌ای برای نیل به هدف غایی تربیت اخلاقی است. منظور از این هدف، شناخت جنبه‌های گوناگونی است که خویشتن آدمی آن را داراست یا می‌تواند دارا شود و از طریق آن می‌توان بر ارزش خود معرفت پیدا کرد. بر اساس این هدف انتظار می‌رود متربی بتواند ارزش وجودی و قوای نفس خود را بشناسد (مدور، ۱۳۹۹). در دیدگاه جوادی آملی اگر متربی گوهر ذات خود و استعدادهايش را بشناسد می‌تواند به بسیاری از معارف اخلاقی دسترسی پیدا می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۳). جوادی آملی نظر بر این دارند که اگر حقیقت انسان برای خودش روشن شد که او یک موجود فقیر است و از طرفی ذاتاً به خدا مرتبط است نتیجه آن خواهد بود که انسان پس از شناخت خویشتن خویش خدا را نیز خواهد شناخت (جوادی آملی، ۱۳۸۵ الف: ۱۷۴) و به معاد ایمان می‌آورد (جوادی آملی، ۱۳۹۰ الف: ۸۴). متربی‌ای که نقاط قوت و ضعف خود را بشناسد، خطاهای خود را می‌شناسد و آن‌ها را تصحیح می‌کند، احساسات خود را می‌شناسد و درباره‌ی آن‌ها صحبت می‌کند، قادر به فهم احساسات و نیازهای دیگران هست و نهایتاً قادر به درک تأثیر رفتار خود بر دیگران می‌باشد که این امور به رشد و موفقیت وی در روابط بین فردی و نیز انجام اعمال اخلاقی مطلوب کمک می‌کند. از جمله موارد دیگری که در این هدف باید دنبال شود شناخت عزت نفس است. عزت نفسی که از طرفی برای انسان یکی از بزرگ‌ترین فضیلت‌های اخلاقی است و از طرف دیگر، محرک او در اجرای دیگر برنامه‌ها و اهداف اخلاقی تلقی می‌شود. عزت یعنی ارزشمندی، شرافت و توانایی؛ که سرمنشأ واقعی آن خداوند متعال است، چنانچه در قرآن اشاره شده: «أَيُّتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (نساء / ۱۳۹)، آیا نزد کافران عزت می‌طلبند؟ عزت همه نزد خداست. جوادی آملی زمینه عزتمندی فردی را محتاج بودن به خدا دانسته‌اند طوری که انسان خود را به‌عنوان عبد احساس کند، در این صورت است که صلاحیت شرکت در مدرسه تکریم الهی پیدا می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۴ الف: ۵۳). کاربرت عزت نفس در شناخت خویشتن و از آن طریق در تربیت اخلاقی این است که متربی آن‌قدر خودش را عزیز انگارد که حاضر نشود تن

به پستی گناه و افعال و رفتار اخلاقی مغایر با شأن انسانی و ایمان بدهد، یعنی آنکه مرتبی شرافت و ارزش خود را بشناسد تا در برابر حوادث و در شرایط مختلف قضاوت‌های اخلاقی؛ خود را حفظ کند.

۲-۱-۲-۲- شناخت خدا

انسان پس از این که خود را شناخت به شناخت عمیق‌تر خداوند متعال می‌رسد، به‌نوعی می‌توان گفت که شناخت خدا در پرتو شناخت جنبه‌های گوناگون خویشتن است^۱. البته بر اساس مبانی فلسفی که عرض شد، این را هم باید گفت که ساختار وجودی آدمی به‌گونه‌ای است که به‌سوی خدا گرایش و تمایل نشان می‌دهد و احساس نیاز و فقر وجودی به او دارد و این در شناخت خویشتن خویش هم برایش مسجل شد و نشان‌دهنده آن است که او شناختی اجمالی از خداوند داشته و توانمندی شناخت تفصیلی را نیز دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۰ الف: ۶۷). در همین جهت جوادی آملی آموزش اخلاق بر اساس و باهدف غیر خدامحوری را ظلم به نفس دانسته‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ب: ۹۲). چرا که از نظر ایشان تمام لایه‌های درونی انسان را فطرت خداخواهی و خداجویی تشکیل می‌دهد و چیزی از بیرون نیز حجاب خدایینی درونی او نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۹ الف: ۲۳۰). در دیدگاه جوادی آملی رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی در شناخت خدا و دیدن او در همه زمینه‌ها و امور است، به‌طوری که چنین انسان تربیت‌یافته‌ای مجموعه جهان آفرینش را آیات، ابزار و مظاهر فیض خدا می‌داند و هر چه یا هر شخصی را که می‌بیند به‌عنوان بنده و مجرای فیض خدا می‌بیند و برای خود استقلال‌ی قائل نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ب: ۹۲).

۲-۱-۲-۳- اندیشیدن قبل از انجام عمل

اندیشیدن قبل از انجام عمل هدفی پیشگیرانه است و مرتبی را از افتادن به وادی انحرافات اخلاقی مصون نگه می‌دارد. استفاده از این هدف به‌منزله نوری است که مرتبی را در میان تاریکی‌های رفتاری و عملکردی هدایت می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ج: ۲۵۲) و حسن و قبح اعمال را برایشان آشکار می‌گرداند. در همین زمینه در روایتی امام علی (ع) می‌فرماید: «عَلَيْكَ

۱. این مطلب در حدیث شریف «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۴: ۵۸۸)؛ هرکس خود را بشناسد، قطعاً خدایش را خواهد شناخت هم نهفته و مورد تبیین قرار گرفته است.

بِالْفِكْرِ فَإِنَّهُ رُشِدٌ مِنَ الضَّلَالِ وَ مُصْلِحٌ الْأَعْمَالِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۴: ۴۴۶)؛ تو را به تفکر سفارش می‌کنم که از هر گمراهی به هدایت رهنمون می‌شود و اعمال را اصلاح می‌کند. در روایت دیگری نیز آمده که «بِالْفِكْرِ تَنْجَلِي غِيَابِ الْأُمُورِ» (همان: ۴۳۲۲)، تاریکی‌های امور با تفکر روشن می‌گردد. از امام باقر هم نقل شده است: «إِذَا هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنْ يَكُ خَيْرًا وَ رُشْدًا فَاتَّبِعْهُ وَ إِنْ يَكُ غَيًّا فَدَعْهُ» (نوری طبرسی، ۱۳۶۶، ج ۱۱: ۳۰۶)، هرگاه قصد کاری کردی، در عاقبت آن بیندیش. اگر خوب بود و خیر، آن را ادامه بده و اگر شر بود و گمراهی، رهایش کن. جوادی آملی قوه تعقل و فرایند اندیشیدن را جدانشدنی از بشر دانسته و معتقدند که همواره با او همراه است (جوادی آملی، ۱۳۸۶ الف، ج ۴: ۵۳۲). ایشان در کتاب «شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی» نوشته‌اند که انسان، موجودی است متفکر که کارهایش بر محور اندیشه استوار است و تفکر او در تنظیم کردارش مؤثر است. نمی‌توان او را از اندیشیدن بازداشت، زیرا هویت بشر از اندیشه‌های علمی و انگیزه‌های عملی ساخته می‌شود و کسی زنده است که اندیشه صائب و انگیزه صالح دارد. بنابراین، هر قدر دانش انسان عمیق‌تر و کردار او حکیمانه‌تر و پیوند میان دانش و کوشش او استوارتر شود، زندگی او خردمندانه‌تر و پربارتر و در نتیجه او زنده‌تر است (جوادی آملی، ۱۳۹۵ ب: ۱۷).

۲-۱-۲- تبعیت از حق در امور و قضاوت‌های اخلاقی

یکی از اهدافی که تربیت اخلاقی می‌تواند در پی آن باشد تبعیت از حق در امور و قضاوت‌های اخلاقی است. علامه طباطبایی (ره) ذیل آیه شریفه «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر/ ۱۸)؛ می‌نویسد: اینکه عباد الله، أحسن القول (نیکوترین سخن‌ها) را تبعیت می‌کنند، به خاطر این است که آنان تابع حق و حقیقت هستند. آن‌ها هر موقع بین حق و باطل قرار گیرند، حق را برمی‌گزینند و هر موقع بین حق و آحق، یا بین رشد و ارشد واقع شوند، احق و ارشد را برمی‌گزینند (طباطبایی، ۱۳۸۴، ج ۱۷: ۲۵۰). جوادی آملی هم در «تفسیر انسان به انسان» خود نوشته‌اند که اگر شاکله انسان حق‌مدار و وزین باشد، فکر و عمل او در گفتار، رفتار، نوشتار، سنت، سیرت، سریرت و ظاهر و باطن وزین می‌شود و چنانچه شاکله او براساس طبیعت سرکش و فطرت مدفون باشد، سبک‌مغز و توخالی است که شئون علمی و عملی او تهی از برهان و هدف و خالی از

خیر و نفع است (جوادی آملی، ۱۳۸۹ الف: ۲۶۶). یا در کتاب «دین‌شناسی» به این نتیجه می‌رسند که انسان‌های حق مدار، اهداف مقدسی دارند که هیچ‌گاه حاضر نیستند بر سر آن معامله کنند و در آن رابطه، مداهنه و سازش نمایند و با گرفتن امتیازهای ناروا به طرف مقابل امتیاز دهند (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۰۰).

۲-۱-۲-۵- آگاهی و عمل به مسئولیت‌ها

از جمله اهداف تربیت اخلاقی که از مبانی فلسفی می‌توان استخراج و استنباط کرد آگاهی و عمل به مسئولیت‌هاست. مسئولیت‌هایی که شناخت و عمل درست انسان به آن‌ها منجر به این می‌شود که خدای سبحان برای او گشایشی فراهم آورد (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۸: ۱۲). به آن‌ها منجر به جوادی آملی در کتاب شریف مفاتیح الحیات و عموم آثار اخلاقی خود مسئولیت‌پذیری را در چهار محدوده «الهی، فردی، اجتماعی و زیست محیطی» مطرح نموده‌اند. البته این نکته را هم نباید فراموش کرد که محدوده‌های فردی، اجتماعی و زیست محیطی همه تحت تأثیر محدوده الهی می‌باشند. جوادی آملی در محدوده الهی معتقدند که انسان یک مسئولیت توحیدی دارد و آن، این است که صرفاً به خدای سبحان متکی باشد دستورات و اوامر او را بفهمد، عمل کند و به دیگران پیاموزد (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۱). ثابت قدم بودن، اخلاص، غیرت نسبت به مقدسات و حفظ دین، شکر به درگاه احدیت و رضا به قضا و قدر او دیگر مسئولیت‌های اخلاقی انسان در محدوده الهی است. مثلاً جوادی آملی در زمینه شکر گفته‌اند که در دنیا چیزی بدون تکلیف نیست؛ یعنی هر نعمتی که به انسان برسد در برابر آن، مسئولیت و شکر است (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۷: ۱۳۰). از نظر ایشان در محدوده فردی، آدمی وظیفه دارد تا خودش را خوب بشناسد، نسبت به هریک از اعضا و جوارحش مسئول باشد و حقوق آن‌ها را رعایت کند (همان). جوادی آملی ذیل این محدوده معتقدند که انسان چون سایر حیوانات دارای اعضا و جوارح است که با نظم خاصی پیکره وجودی او را شکل می‌دهند. بی‌شک هر یک از آن اعضا برای هدفی خاص آفریده شده‌اند و وظیفه‌ای ویژه برای آن‌ها مقرر شده است: «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسراء / ۳۶)، در سایه مسئولیت اعضا و هدفمندی جوارح، حقوقی برای آن‌ها تعیین

۱. از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل، همه مسئولند.

گردیده و تجاوز از حقوقشان، ظلم شمرده شده است که باید روزی بدان پاسخ داد؛ زبان، چشم، گوش، دست و پای انسان به زودی از تجاوز حقوقشان شکوه خواهند کرد و بر ضد صاحبشان شهادت خواهند داد: «الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (یس / ۶۵)، پس جوارح و اعضای انسان، سربازان سپاه حق‌اند: «وَجَوَارِحُكُمْ جُنُودُهُ» (نهج البلاغه / خطبه ۱۹۹) که اگر حقوقشان ادا شود، پشتیبان او خواهند بود، و گرنه او را شکست خواهند داد؛ یعنی خداوند با همین سپاه، انسان را قدرتمند یا عاجز می‌کند و هیچ نیازی به لشکرکشی از بیرون نیست؛ با تأدیه حقوق اعضا، وی را به سوی سعادت رهنمون می‌سازد و با نادیده گرفتن آن همین سربازان او را شکست می‌دهند (جوادی آملی، ۱۳۸۴ الف: ۳۰۲).

مسئولیت‌های انسان نسبت به جامعه و افراد موجود در آن هم محدوده سوم بوده و زیرمجموعه‌های مختلفی همچون حسن معاشرت، امر به معروف و نهی از منکر، عدالت، همدلی، مهرورزی، امانت‌داری و ... دارد. به طور مثال ایشان در کتاب «اسلام و محیط زیست» ذیل حسن معاشرت نوشته‌اند که حسن معاشرت هر شهروند در مدینه فاضله برابر مسئولیت اوست (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۲۸۳). در همچنین در دیدگاه جوادی آملی انسان در محدوده زیست محیطی نیز مسئول است و باید نسبت به آن نگاه امانتی داشته باشد و بهره‌برداری منصفانه‌ای از آن بکند (جوادی آملی، ۱۳۹۵ ج: ۶۸۷). مطلب مهمی که جوادی آملی نظر بر آن دارند و می‌فرمایند که در مسئولیت‌ها محور قرار گیرد، این است که وسع و توان تربی در نظر گرفته شود. ایشان در این زمینه نوشته‌اند که هر کس در برابر مسئولیت خود متعهد باشد، به مقام تقوا می‌رسد. انسان‌های ضعیف که وظایف الهی را در همان مرحله ضعف انجام می‌دهند، از انسان‌های قوی که در انجام وظایف خود سستی می‌کنند برترند (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۱۱: ۳۸۱). جوادی آملی یکی از راه‌های متعهد شدن انسان نسبت به مسئولیت‌های خود را اعتقاد به قیامت و ایمان به روز جزا دانسته‌اند. از نظر ایشان اعتقاد به قیامت و ایمان به روز جزا انسان را از هوس‌بازی و زورمداری بازمی‌دارد و در برابر قوانین خاضع می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۶ الف، ج ۴: ۵۱۳).

۱. امروز بر دهان آن کافران مهر خموشی نهیم و دست‌هایشان با ما سخن گوید و پاهایشان به آنچه می‌کردند گواهی دهد.

۲-۱-۲-۶- تقویت نیروی اراده

از جمله نیروها و استعدادهایی که در متری تربیت اخلاقی باید پرورش پیدا کند، اراده است. اراده وابسته به عقل است و تحت هدایت و راهنمایی او تبلور عملی پیدا می‌کند. در نقش و اهمیت اراده همین بس که در دیدگاه دینی، مبنای ملاک ارزش و هویت انسان دانسته شده است؛ چراکه: «قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ» (نهج البلاغه/ حکمت ۴۴). در حقیقت، ارزش انسان در این مسیر وابسته به یک قدم استوار است و این استواری نیز، ریشه در عقلی سالم و قلبی قوی و نیرومند دارد، آن هم قلبی و توانی که از اراده‌ای راسخ و پابرجا برخاسته باشد. به همین دلیل است که انسان به وسیله ابزارهایی، مأمور به تقویت اراده خویش شده تا هم بتواند استعدادهای ذاتی و حس نیاز درونی را به فعلیت درآورد و هم بتواند با مقاومت در برابر شداید، موانع بازدارنده را کنار زند. بدین سان، در دیدگاه دینی و برای سیر در مسیر حرکت تربیت اخلاقی، هم باید اراده داشت و هم از اراده‌ای نیرومند و پایدار برخوردار بود (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۵). بر طبق دیدگاه جوادی آملی اراده در ساختار شخصیت انسانی نقش کلیدی دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۴ الف: ۸۷) و بهترین اراده‌ها آن است که با اراده الهی پیوند بخورند (جوادی آملی، ۱۳۹۰ ب: ۴۷۰).

۲-۱-۲-۷- زیبایی بینی در افعال خدا

رسیدن متری به زیبایی بینی مادی و معنوی، او را بهتر در مسیر رشد اخلاقی قرار می‌دهد به صورتی که می‌تواند جلوه‌های زیبای خلقت خداوند را ادراک کند و نسبت به پایبندی به ارزش‌های اخلاقی مقید سازد. زیبایی، حقیقتی است که از طریق دستگاه ادراکی انسان قابل فهم می‌باشد (محصص، ۱۳۹۵: ۴۵). از منظر جوادی آملی زیبایی کارهای خدا، مطلق است، نه نسبی تا تنها نسبت به خود آن ذات اقدس یا برخی اشیا خوب و زیبا باشد. فعل خدا سراسر جمال و جمال او جمیل مطلق و کمال او کامل صرف است: «وَكُلُّ جَمَالِكُمْ جَمِيلٌ»، «وَكُلُّ كَمَالِكُمْ كَامِلٌ» (مفاتیح الجنان/ دعای سحر ماه رمضان)؛ برخلاف کارهای نیک دیگران که نسبت به خود آنان خوب است، گرچه ممکن است برخی از آن‌ها برای دیگران خوب نباشد (جوادی آملی، ۱۳۹۶ ج ۱: ۳۴۳-۳۴۲). به نظر می‌رسد که زیبایی بینی در افعال خدا نوعی تواضع و فروتنی را در

متربی حرکت کننده در مسیر خلیفه‌اللهی ایجاد کند و این موضوع خود زمینه‌ساز پذیرش امور اخلاقی به‌عنوان بخشی از زیبایی‌های خلقت و ارزش‌های الهی باشد.

۲-۱-۲-۸- کسب آمادگی برای خدمت به خلق

طبق دیدگاه جوادی آملی آمادگی برای خدمت به خلق را باید از وجود مبارک امام سجاد (ع) آن طوری که در صحیفه سجادیه در دعای نورانی مکارم‌الأخلاق آمده آموخت: پروردگارا! تو که به این مردم خیر می‌رسانی توفیقی بده که خیر تو به دست من به مردم برسد «و أُجْرٍ لِلنَّاسِ عَلٰی يَدِي الْخَيْرِ». ایشان ادامه می‌دهند که اگر انسان تماشاچی باشد، کار خوبی نیست بلکه اگر فیض الهی به دست آدمی به مردم برسد، این نعمت خوبی است، یعنی انسان از خدا بخواهد که با دست او به مردم خیر برسد (جوادی آملی، ۱۴۰۰). در جای دیگری نوشته‌اند که خداوند خدمت به خلق را غایت فضیلت قرار داد و فرمود: «وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا» (زخرف/۳۲)، و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را مسخر کرده و با هم تعاون نمایند و رحمت پروردگارت از تمام آنچه جمع‌آوری می‌کنند بهتر است. از نظر ایشان این تسخیر متقابل، سبب تکامل جامعه است و تسخیر یک‌جانبه ممنوع (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ب: ۲۳۳). با توجه به دیدگاه جوادی آملی مطلب مهمی که در این هدف باید توجه شود ادب خدمت به خلق است. ادب خدمت از اصول اساسی اخلاق در اسلام است و پای‌بندی به آن نباید منت بر دیگران را به همراه داشته باشد «وِإِيَّاكَ وَالْمَنِّ عَلٰی رَعِيَّتِكَ بِإِحْسَانِكَ» (نهج البلاغه/نامه ۵۳) و لازم است خدمت به مردم با خلوص نیت و رضای حق و علاقه و رغبت انجام گیرد (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ج: ۳۱۳).

۲-۱-۲-۹- معرفت بر نتیجه دنیوی و اخروی نیات و عملکردهای اخلاقی

باید بدانیم که نیت در تحقق عملکردهای اختیاری مؤثر است و برخی مواقع احتمال دارد که متربی نیت انجام فعلی اخلاقی و ارزشی را داشته باشد منتها شرایط و اقتضائات او را همراهی نکند و در همان مرحله نیت بماند که بنابر نظر فیلسوفان اخلاق اجر و پاداش خود را در پی دارد. منظور از ذکر این هدف آن است متربی بداند که هم نیات و هم عملکردهای اخلاقی او در دنیا و آخرت نتیجه می‌دهد و فاعل ارزش‌های اخلاقی را خیر می‌رساند و البته در صورت عکس هم جزا خاص

خود را در پی خواهد داشت. از منظر جوادی آملی یاد معاد انسان و اعمالش را تطهیر می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۳۸۴). یا در جایی دیگر این چنین نظر می‌دهد که چون مهم‌ترین عامل در هدایت و تربیت انسان، اعتقاد به قیامت و یاد معاد است و فراموشی روز حساب اساسی‌ترین عامل تبهکاری و مبتلا شدن به عذاب است: «لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» (ص/۲۶) در بسیاری از آیات قرآن کریم، سخن از معاد و قیامت به میان آمده است. با فراموش کردن روز حساب، حتی اعتقاد به ربوبیت مطلق خدای سبحان و این که او سراسر عالم را می‌پروراند نیز در تهذیب روح مؤثر نیست؛ اما اگر انسان خود را در برابر ربّ العالمین مسئول دانست و معتقد بود که روزی باید پاسخ‌گوی همه کارهایش باشد، این اعتقاد، در تهذیب و تزکیه جان او مؤثر است. در سوره مبارکه حمد، در کنار رحمت الهی سخن از مالکیت «یوم الدین» است تا انسان‌ها را بین خوف و رجا پروراند. اگر خدای سبحان تنها به عنوان رحمان و رحیم معرفی شود و همواره سخن از رحمت حق باشد، زمینه تجرّی و غرور انسان فراهم می‌شود، اما اگر خدای رحمان و رحیم با صفت «مالک یوم الدین» نیز شناخته شود، انسان در میان بیم و امید حرکت می‌کند؛ زیرا می‌داند روز پاداش، هم بهشتی سراسر رحمت دارد و هم جهنمی سوزان که هیچ رحمتی در آن نیست (همان: ۳۹۱). علاوه بر آثار و نتایج اخروی، متربی باید بداند که عمل به اخلاقیات برای او منافع دنیوی نیز به همراه خواهد داشت. طبیعتاً فردی که عامل به اخلاق است بیشتر توسط دیگران مورد احترام و حمایت قرار می‌گیرد و فرصت‌های رشد بیشتری را به دست می‌آورد.

جدول ۳: استخراج اهداف برنامه درسی تربیت اخلاقی از مبانی فلسفی جوادی آملی

اهداف واسطه‌ای استخراج شده	هدف غایی	مبانی فلسفی
شناخت خدا	رسیدن متربی به مقام خلیفه اللهی و قرب به کامل طاعتی	مبانی هستی‌شناختی
شناخت جنبه‌های گوناگون خویشتن آگاهی و عمل به مسئولیت‌ها تقویت نیروی اراده کسب آمادگی برای خدمت به خلق		مبانی انسان‌شناختی
اندیشیدن قبل از عمل تبعیت از حق در امور و قضاوت‌های اخلاقی معرفت بر نتیجه دنیوی و اخرویی نیات و عملکردهای اخلاقی		مبانی معرفت‌شناختی
زیبایی بینی در افعال خدا		مبانی ارزش‌شناختی

۲-۲-۲- محتوا

یکی از قانونمندی‌های برنامه درسی در عنصر محتوا این است که محتوا باید در خدمت اهداف و مطابق با آن‌ها باشد (ملکی، ۱۳۸۹: ۶۶). در اصل محتوا ابزاری جهت تحقق اهداف تلقی می‌شود و البته عناصر دیگر از جمله روش‌های یاددهی - یادگیری و روش‌های ارزشیابی نیز به پیروی از محتوا تعیین می‌شوند، هرچند که باز هم عنصر اهداف در آن‌ها سهم قابل‌ملاحظه‌ای دارد. در ادامه دلالت‌هایی از دیدگاه جوادی آملی و مبانی فلسفی ایشان برای محتوای تربیت اخلاقی به دست آمده که قابل مشاهده است. این دلالت‌ها در حکم دستورالعمل‌ها و خط‌مشی‌هایی کلی هستند که می‌توانند در تألیف، انتخاب و تدوین محتوا به استخدام در آیند و برنامه‌ریز تربیت اخلاقی را هدایت و راهنمایی کنند.

۲-۲-۱- تبعیت از زبان فارسی و واژگان آشنا

در دیدگاه جوادی آملی اولین دستورالعمل محتوایی این است که متن باید از زبان فارسی پیروی کند و واژگان آشنا برای متربی در اولویت باشد. ایشان در این زمینه این طور نظر داده‌اند که در محتوا باید به‌رغم اتقان و استحکام مطالب سعی شود از زبان فارسی روان با واژگان آشنا استفاده شود تا زمینه بهره‌وری بیشتر از آن فراهم آید. البته طبق دیدگاه ایشان سادگی و روان بودن محتوا نباید این ذهنیت را در متربی ایجاد کند که سطح مطالب پایین و متوسط است؛ همین‌طور صلابت و برهانی بودن محتوا نباید موجب این توهم گردد که سنگینی مطلب مانع از دستیابی به مضامین والا است (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۲۶).

۲-۲-۲- بهره‌گیری راهبردهای متنوع

علامه جوادی آملی در آثار خود راهبردهای مختلفی برای آموزش مفاهیم اخلاقی استفاده کرده‌اند که می‌تواند در محتوای مورد نظر این رساله نیز کاربرد داشته باشد. داستان‌های قرآنی (جوادی آملی، ۱۳۸۵ الف: ۶۸)، تمثیل (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۴۰)، نقاشی (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ب: ۱۳۱)، شعر (جوادی آملی، ۱۳۹۵ الف: ۳۰۱)، بازی (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ب: ۱۴۱)، معما (جوادی آملی، ۱۳۸۴ ب: ۲۰۵)، پرسش‌های چالشی (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ج: ۴۹۱) و دعا و مناجات (جوادی آملی، ۱۳۹۵ د: ۱۱۶) از جمله این راهبردها هستند. این در حالی است که در کتاب‌های درسی تعلیم و تربیت رسمی این تنوع وجود ندارد و متن زدگی مشهود است و متربی را نمی‌تواند به تعامل مطلوب با خود دعوت کند (نجفی، ۱۴۰۰).

۲-۲-۳- محوریت قرآن کریم و احادیث

بر اساس دیدگاه جوادی آملی قرآن کریم اولین منبع معرفت دینی و طبق رهنمود معصومین (ع) «ثَقَلُ اکبر» است و سخنان عترت طاهرین نیز که «ثَقَلُ اصغر» هستند باید در تدوین محتوا مورد عنایت ویژه باشند (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۱۵۹).

۲-۲-۴- استفاده از سرگذشت و ادبیات پیشینیان

محدوده باز تاریخ (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۰۹) و ادبیات (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ج ۲۲) و عبرت‌های اخلاقی موجود در آن‌ها نیز منبعی برای محتوای تربیت اخلاقی هستند که توسط جوادی آملی توصیه شده‌اند. علامه جوادی آملی در آثار خود از منابع صحیح تاریخی و آثار شاعران نامی عرب و فارسی زبان را بارها و بارها استفاده کرده‌اند و این نشان‌دهنده ظرفیتی است که می‌تواند راهگشا باشد. شهادت تاریخ و گنجینه ادبی سرشار از نکات و مباحث اخلاقی هستند که می‌توانند مرتبی را از نتیجه و چگونگی عمل به اخلاقیات و نیز دانش اخلاق و قدمت آن به طول عمر انسان آگاه کند.

۲-۲-۵- تأثیر پذیری از فضای زمانه

با توجه به تفسیر سوره مبارکه بقره و نظر علامه جوادی آملی بر تأثیر فضای نزول بر محتوای سوره از این مورد می‌توان دلالتی برای متون و مطالب تربیت اخلاقی گرفت. ایشان در این زمینه توضیح داده‌اند که سوره بقره، هم ویژگی‌های فضای عمومی سور مدنی را دارد و هم با ویژگی‌های فضای خاص مقطع نزول خود (سال‌های اول و دوم هجرت تا آغاز جنگ بدر) هماهنگ است (همان، ج ۲: ۵۴). مواردی از هماهنگی و تأثیر فضا بر محتوا در سوره مبارکه بقره به شرح زیر است:

- ترکیب خاص اجتماعی مدینه در مقطع نزول (مسلمانان، یهودیان، مشرکان و منافقان) و همچنین حاکمیت مشرکان و کافران بر مکه، زمینه‌ساز نزول آیاتی درباره گروه‌های مزبور و اوصاف و کارهای آنان است؛ مانند آیات ۳ تا ۲۰ که اوصاف متقیان، کافران و منافقان را بیان می‌کند و آیات ۴۰ تا ۱۵۲ که درباره یهود است و آیات ۲۰۰ تا ۲۰۷ که ناظر به تقسیم انسان‌ها بر اساس عقاید و اعمال آن‌هاست؛ مانند این که برای ارج نهادن به توحید و نفی هرگونه ارزش از شرک، از زناشویی مسلمان با مشرک جداً جلوگیری به عمل آمد و در آیه ۲۲۱ ارزش زن با ایمان نسبت به زن آلوده به شرک و نیز ارج مرد با ایمان در برابر مرد مبتلا به بیماری شرک هشدار داده شد.
- چون یهودیان مهم‌ترین گروه مخالف اسلام و نظام اسلامی بودند، بیش از یک‌سوم

- آیات سوره بقره (آیات ۴۰ تا ۱۵۲) درباره آنان نازل شده است؛
- چون نفاق در مقطع نزول سوره بقره، همانند دوران مکه مستور بود نه مشهور، تنها در چند آیه و آن هم با تعبیر «من الناس» از منافقان یاد شده است (نه با عنوان منافق)؛ مانند آیات ۸ تا ۲۰ و ۲۰۴ تا ۲۰۶. آیات مزبور از بیماری دل‌های آفت‌زده آن‌ها خبر داد و از نیرنگ و تذبذب آنان پرده برداشت و از افساد آن‌ها در زمین و نیز از سفاهت فکری آنان گزارش داد، لیکن تصریح به عنوان نفاق نشد.
 - نیاز شدید مسلمانان تهیدست مهاجر از یک سو، نیازهای مالی جنگ‌هایی که در پیش بود از سوی دیگر و رباخواری یهودیان، به ویژه ربای مضاعف، از سوی سوم، زمینه‌ساز نزول آیات انفاق و قرض‌الحسنه بود؛ مانند آیات ۱۹۵، ۲۱۵، ۲۴۵ و ۲۶۱ تا ۲۷۴، که در آن‌ها مردم را از انفاق مال فاسد و کم‌ارزش بازداشت.
 - توان دفاعی روزافزون مسلمانان برای حراست از کیان اسلام و نظام اسلامی و لزوم تأمین زمینه مناسب برای جنگ‌های آینده، بستر مناسب نزول آیات مربوط به جهاد و شهادت، مانند آیات ۱۵۳ تا ۱۵۷ و ۱۹۰ تا ۱۹۵ بود. از این قبیل است آیاتی که برای تأمین نیروی انسانی و مالی جنگ دستور انفاق می‌دهد؛ مانند آیات ۲۴۴ تا ۲۵۲. همچنین حقیقت دفع تبهکاران و مفسدان که به دفاع از حقوق فطری جامعه انسانی برمی‌گردد در آیه ۲۵۱ به عنوان رهایی زمین از فساد طاغیان معرفی شده است.
 - فراهم شدن زمینه مناسب برای تشریح احکام فقهی بر اثر استقرار نظام اسلامی و استقبال مردم از اسلام، متقاضی و مستدعی نزول آیات فراوانی درباره احکام فرعی بود و از این رو مسائل عبادی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و کیفری فراوانی در این سوره آمده است. برخی از احکامی که در این سوره آمده بدین قرار است: برپا داشتن نماز (در آیه ۱۱۰، ۱۷۷ و ...)، تحریم سیخ (۱۰۲)، تحریم زناشویی مسلمان با مشرک (۲۲۱)، اسلوب صحیح دادوستد با اموال یتیمان (۲۲۰)، لزوم استفاده از رزق حلال و طیب (۱۶۸ تا ۱۷۲)، حرمت خوردن مردار، خون و گوشت خوک (۱۷۳)، قصاص (۱۷۸ و ۱۷۹)، وصیت (۱۸۰ تا ۱۸۲)، روزه‌داری و برخی دیگر از احکام ماه

رمضان (۱۸۳ تا ۱۸۷)، جهاد و دفاع (۱۹۰ تا ۱۹۴ و ۲۱۶ تا ۲۱۸)، مسائل خانواده از جمله طلاق و عدّه و ... (۲۲۳ تا ۲۴۲) و تحریم رشاء و ارتشاء (۱۸۸)، آشنایی به احکام هلال ماه برای روزه، حج و سایر اوقات دینی و اجتماعی (۱۸۹) (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۵۷-۵۴).

۲-۲-۶- تناسب حکیمانه

جوادی آملی با تأسی از نزول آیات قرآن و کنار هم قرار گرفتن آن‌ها مؤلفان را به رعایت تناسب حکیمانه دعوت می‌کنند. ایشان در این زمینه نوشته‌اند که قرار دادن آیات قرآن در سوره معین و بعد از آیات مشخص و قبل از آیات معلوم دیگر حتماً حکیمانه و با حفظ تناسب بوده است؛ لیکن باید بین تناسب محتوا و تقارن یا تقارب نزول فرق نهاد (همان، ج ۸: ۲۸).

۲-۲-۷- منع تفسیر به رأی

منع تفسیر به رأی دستورالعمل دیگر است که باید در محتوای تربیت اخلاقی اساس قرار گرفته و از گرفتار شدن در آن پرهیز شود. تفسیر به رأی یعنی تفسیر جاهلانه نسبت به اصل محتوا؛ یعنی مطلبی از متن صحیحی برداشت شود و بر آن تحمیل گردد، سپس متن صحیح بر معنای تحمیلی محمول شود، در حالی که آن مطلب مطابق با برهان نیست و در این جهت، فرقی نمی‌کند که برهان مطلب، فلسفی یا کلامی باشد یا تجربی و یا نقلی؛ زیرا برهان هر مطلب، وابسته به سنخ آن مطلب و محتوا می‌باشد. در نظر جوادی آملی اگر محتوا جزء معارف تجربی بود، اثبات آن مضمون برهان فلسفی یا کلامی می‌طلبد و اگر محتوا جزء مسائل تجربی بود، اثبات آن شاهد آزمایشی و تجربه‌طلب می‌کند؛ چنان‌که اگر جزء قصص و سیره‌های انبیا و اولیاء (ع) بود، اثبات آن سند معتبر نقلی می‌خواهد (جوادی آملی، ۱۳۸۶ الف، ج ۱: ۱۰۸).

۲-۲-۸- صلابت و لطافت

آخرین دستورالعملی که باید در عنصر محتوای تربیت اخلاقی لحاظ نمود، صلابت در عین لطافت است. طبق دیدگاه جوادی آملی لازم است سراینده‌گان، نویسندگان، صحابه سخن و اصحاب قلم که در مدح و رثای اولیای الهی به نظم و نثر سخن می‌گویند و قلوب مشتاقان عترت طاهرین (ع) را در پرتو هنرهای ادبی خود به آن ذوات نورانی جذب می‌کنند، متأثر علمی و آثار

عملی آنان را به خوبی ادراک کرده؛ آنگاه به زبان گویا منتقل نمایند. به طوری که در اثر قوت، صلابت، سداد و اتقان محتوا مورد پسند محققان واقع شود و از گزند نقد وارد و آسیب نقاش مصون بماند و در سایه سلاست و روانی، بساطت و سادگی و موزون و منضود بودن، مورد قبول توده مردم قرار گیرد و از ابراز انزجار، نگرانی، ابهام و ناپسندی آن‌ها محفوظ باشد. البته لازم است ادیبان هنرور، سداد محتوا را فدای زیبایی لفظ نکنند؛ چنان‌که خوانندگان محترم نیز بکوشند و هنر و ضعف مضمون را با نوای گوش نواز، ترمیم نمایند؛ بلکه همگان بکوشند بین صلابت محتوا و لطافت هنر سرابندگی، نویسندگی جمع کنند؛ که چنین جمع سالمی انجمن را خواهد بود و مایه جمع کمال و جمال و پایه اجتماع بلکه اتحاد ادب و حکمت و هنر و فلسفه می‌گردد (همان، ج ۲: ۱۷۸-۱۷۷).

جدول ۴: استخراج دستورالعمل‌های تألیف، انتخاب و تدوین محتوا از مبانی فلسفی و اهداف برنامه درسی تربیت اخلاقی مبتنی بر دیدگاه جوادی آملی

مبانی فلسفی	هدف غایی	اهداف واسطه‌ای استخراج شده	دستورالعمل‌های تألیف، انتخاب و تدوین محتوا
مبانی هستی‌شناختی	رسیدن قریبی به مقام بلاغی الهی و قرب به کامل مطلق	شناخت خدا	تبعیت از زبان فارسی و واژگان آشنا بهره‌گیری از راهبردهای متنوع محوریت قرآن کریم و احادیث استفاده از سرگذشت و ادبیات پیشینیان تأثیرپذیری از فضای زمانه تناسب حکیمانه منع تفسیر به رأی صلابت و لطافت
مبانی انسان‌شناختی		شناخت جنبه‌های گوناگون خویشتن آگاهی و عمل به مسئولیت‌ها تقویت نیروی اراده کسب آمادگی برای خدمت به خلق	
مبانی معرفت‌شناختی		اندیشیدن قبل از عمل تبعیت از حق در امور و قضاوت‌های اخلاقی معرفت بر نتیجه دنیوی و اخرویی نیات و عملکردهای اخلاقی	
مبانی ارزش‌شناختی		زیبایی بینی در افعال خدا	

۳-۲- روش‌های یاددهی - یادگیری

گزینش روش‌های مناسب تسهیل‌کننده تربیت اخلاقی متریبان است. اتخاذ روش‌های مناسب فرایند تربیت اخلاقی را تسهیل می‌کند. در ادامه به معرفی روش‌هایی پرداخته می‌شود که متناسب با اهداف و محتوا هستند:

۳-۲-۱- تحریک احساسات و تدریس مبتنی بر محبت

محبت الهی عالی‌ترین انگیزه برای پابندی به مسائل و مباحث اخلاقی است. از نظر جوادی آملی هیچ‌کس بدون محبت زندگی نمی‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۸: ۲۷۲) و بلکه قلب مؤمن باید از محبت الهی مُتِم^۱ باشد (همان، ج ۲۳: ۳۵). محبت، حالتی است که در دل یک موجود ذی‌شعور، نسبت به چیزی که با وجود او ملامتی و با تمایلات و خواسته‌های او تناسبی دارد، به وجود می‌آید. به عبارتی بین دو موجود، یک جذبه‌ای ایجاد می‌شود که دل به یک طرف کشیده می‌شود و محب را به سوی خود جذب می‌کند. از نظر جوادی آملی قلبی که از دوستی الهی و ایمان پُر باشد، شیطان نمی‌تواند در آن نفوذ کند (همان: ۵۷). جوادی آملی در پیامی به همایش ملی محبت و جایگاه آن در آموزه‌های اهل بیت (ع) با تأکید بر سیره رضوی (ع) مرقوم فرموده‌اند که بعضی از حقایق نفسانی حقیقت ذات اضافه‌اند، محبت از همین قبیل است؛ یعنی محبت مثل علم حقیقت ذات اضافه است، علم بدون معلوم وجود ندارد، محبت بدون محبوب وجود ندارد. چیزی در صحنه نفس به نام علم باشد، ولی معلوم نباشد علم نخواهد بود، چیزی به عنوان محبوب وجود نداشته باشد و محب وجود داشته باشد ممکن نیست؛ زیرا حقیقت ذات اضافه طرف خود را حتماً می‌طلبد. این مطلب اول است. دوم اینکه اوصافی که حقایق ذات اضافه هستند، ارزش آن‌ها را متعلق تأمین می‌کند، نه خود این محبت. ارزش محبت خیر و صلاح و فلاح محبت به عظمت آن محبوب است؛ چه اینکه آسیب و گزند محبت به خطر آن محبوب است (جوادی آملی، ۱۳۹۷ الف). بر اساس دیدگاه ایشان اخلاق، انسان را به مقامی می‌رساند که نه تنها حبّ چیزی او را کور نکند، بلکه بینا و بیناتر کند. مثلاً محبت الهی و اسمای حسناى او انسان را بیدار و بیدارتر و بینا و بیناتر می‌کند، چون «حبّ البصیر یبصر و حبّ السمع یسمع»، پس «حبّك للشیء یعمی و یصم»

۱. پُر

درباره اشیای غیر بصیر و غیر سمیع است؛ نه بصیر و سمیع که محبت به او، محب را بصیر و سمیع می‌کند، همان‌گونه که صبیح کاذب، چون دنباله‌رو شب است، کاذب است و صبیح صادق، چون پیشرو روز است، صادق است (جوادی آملی، ۱۳۸۹ الف: ۲۰۲). پس مشخص شد که چه محبتی والاتر از محبت انسان به خدا می‌تواند انسان را بیدارتر و بیناتر کند. در دیدگاه جوادی آملی خداوند محبوب انسان وارسته است و مؤمنان راستین به خدا دل می‌بندند (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۸: ۲۸۹). نکته دیگری که باید به آن توجه کرد این است که محبت به خداوند اگر در تربیت اخلاقی ملاک و محور باشد می‌تواند اخلاق همه‌جانبه را برای مرتبی فراهم آورد و او را متخلق به اخلاق الله کند و طبق فرمایش ایشان هر کس متخلق به خلق عظیم باشد، محبوب خدا می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ج ۹: ۱۳). پس استفاده از این روش می‌تواند علاوه بر محبت مرتبی به خدا، محبوب شدن نزد خدا را برای مرتبی فراهم آورد.

۳-۲-۲- استدلال

جوادی آملی استدلال را روشی قاطع در تربیت اخلاقی می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۴۲). از نظر ایشان هر مسلمانی وظیفه دارد با استدلال منطقی، معارف دین را بفهمد تا هیچ شبهه‌ای او را متزلزل نسازد، بلکه به شبهات دیگران نیز پاسخ قاطع دهد (همان، ج ۵: ۱۱۲). جوادی آملی در چگونگی استفاده از استدلال در قرآن کریم این‌طور نوشته‌اند که خدای سبحان ادراک زیبایی و زشتی کلیات مسائل اخلاقی را در نهاد انسان‌ها به ودیعت نهاده و به آنان عقل و فطرتی عطا کرده تا مصادیق نیک اخلاقی را از زشت آن بازشناسند: «فَالْهَمَّهَا فَجُورُهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس/۸). در عین حال در موارد فراوانی برای حُسن یا قبح عملی اخلاقی استدلال می‌کند؛ چنان‌که پس از نهی از ناسزاگویی به معبودهای مشرکان که ردیلتی اخلاقی است می‌فرماید: هر امتی مقدّساتی دارد و اگر شما عالمانه به مقدّسات آنان ناسزا بگویید، آنان جاهلانه به مقدّسات شما ناسزا می‌گویند؛ «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنَا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام/۱۰۸). نیز در تعلیل و توجیه فرمان گفتار نرم که به موسی و هارون داده شد: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَنَا» (طه/۴۴). می‌فرماید: شاید گفتار نرم شما سبب تذکر و بیداری او گردد: «لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ» (طه/۴۴) و نیز آن‌جا که می‌فرماید: بدی را با روش خوب دفع

کنید: «اذْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (فصلت/۳۴). چنین استدلال می‌کند که دشمن شما به سبب رفتار نرم شما با وی، به دوست گرم و مهربان شما تبدیل می‌شود: «فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (فصلت/۳۴). همچنین خطاب به رسول مکرم اسلام (ص) می‌فرماید: به برکت رحمت الهی، نرم‌خو و مهربان هستی و اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند: «وَكُلُّكُمْ رُجُلٌ مُّطَاعٌ...» (آل عمران/۱۵۹) (همان، ج ۵: ۳۸۸-۳۸۷).

۳-۲-۳- شبهه زدایی

روش شبهه برای این طرح می‌شود تا مخاطبان خود را به چالش بکشاند. از سوی دیگر در شبهه، باطل به طور عمدی و خواسته حضور دارد و شبهه گر با آمیختن حق و باطل می‌کوشد کلام باطل خود را با رنگ و لعابی از حق به دیگران منتقل کند، از این روست که حضرت علی (ع) فرمودند: «إِنَّمَا سُمِّيَتِ الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ» (نهج البلاغه/ خطبه ۳۸) از آن رو شبهه را شبهه نامیده‌اند که به حق شبیه و همانند است. جوادی آملی در مورد شبهه زدایی این‌طور معتقدند که درست است که ما باید آنچه سازنده جوامع انسانی است بازگو کنیم و از اصطلاحات علمی بپرهیزیم؛ ولی پاسخ ندادن به شبهات رهن، باعث می‌شود که اخلاق و علم اخلاق تأثیر خود را از دست بدهد. از این رو برای این که مسائل اخلاقی جای خود را در جامعه باز کند، طرح بعضی از شبهات و مصطلحات علمی و پاسخ به آن‌ها سودمند است (جوادی آملی، ۱۳۹۵ الف: ۳۲).

۳-۲-۴- بیان مثال

بیان مثال روشی است که با آن می‌توان پیام‌های اخلاقی را راحت‌تر به مرتبی رساند. مثل؛ سخنی درباره چیزی است که آن را با سخنی در چیز دیگر شباهت می‌دهد که میان آن دو چیز تشابهی هست و یکی از آن‌ها دیگری را روشن و بیان می‌کند و تجسم می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۹۵ الف، ص ۱۴۹). زبان مثال، زبانی است گویا، شیوا و رسا. مثال، اگر مناسب باشد و با دقت و هوشیاری به کار گرفته شود، عمق مطلب را مجسم می‌کند، تاریکی‌های آن را می‌زداید، تطبیق می‌دهد و نکات مبهم و دشوار آن را روشن و آسان می‌سازد (حائری شیرازی، ۱۳۹۹). در دیدگاه جوادی آملی خاصیت مثل این است که معارف معقول و بلند را به سطح مطالب متخیل و محسوس تنزل می‌دهد تا در سطح فهم همگان قرار گیرد. مثل همانند ریسمانی است که از اوج معرفت‌های

والا به سطح افهام توده انسان‌ها آویخته می‌شود، تا آنان که توان ادراک معارف بلند را در قالب ممثّل ندارند، به ممثّل تمسّک جسته و در حد خود بالا بروند و ممثّل را در سطح مناسب خویش ادراک کنند (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۳۲۷-۳۲۶). از جمله نکاتی که باید در کاربست این روش به یاد داشت این است که سطح آشنایی و مأنوس بودن مثل را برای متریبان در محیط آموزشی در نظر گرفت. نمونه‌ای که می‌توان از کاربرد روش مثال در قرآن زد، آیه ۲۶۵ سوره مبارکه بقره است. این آیه در کتاب «دین‌شناسی» جوادی آملی هم ذیل انفاق و در نظر گرفتن رضای الهی توضیح داده شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۷۲). در این آیه در باب انفاق که ارزش اخلاقی می‌باشد مثالی زده شده است. «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَنْبِيئًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بَرْبُوعٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يَصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» و (کار) کسانی که اموال خود را برای خشنودی خدا، و تثبیت (ملکات انسانی در) روح خود، انفاق می‌کنند، همچون باغی است که در نقطه بلندی باشد، و باران‌های درشت به آن برسد، (و از هوای آزاد و نور آفتاب، به حد کافی بهره گیرد) و میوه خود را دوچندان دهد (که همیشه شاداب و با طراوت است) و اگر باران درشت به آن نرسد، بارانی نرم به آن می‌رسد. و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، بیناست.

۳-۲-۵- نقل داستان‌های اخلاقی

یکی از مهم‌ترین روش‌های پرورش آگاهی و بصیرت اخلاقی نقل داستان‌های اخلاقی است، طبق دیدگاه جوادی آملی داستان جزو مسائل هنری و ذوقی به شمار می‌آید و در جای خود ارزش و اعتبار و فایده دارد؛ زیرا با عواطف و احساسات مردم سروکار دارد و به کارگیری صحیح آن‌ها می‌تواند در هدایت و رشد فکری و معنوی توده مردم نقشی سازنده و مؤثر ایفا کند (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۱۲۵). خدای سبحان در قرآن کریم از روش نقل داستان که در ضمن آن فضائل اخلاقی را بیان نموده زیاد استفاده کرده است که از جمله آن داستان حضرت یوسف (ع) است. جوادی آملی استفاده قرآن از داستان را این‌گونه توصیف کرده‌اند که شیوه نقل داستان در دعوت و تعلیم، از ویژگی‌های کتاب الهی است و در هیچ‌یک از کتب علوم عقلی و نقلی که مؤلفان و مصنفان آن‌ها تنها به ارائه براهین صرف و استدلال محض عقلی یا نقلی بسنده می‌کنند تداول ندارد

(جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۴۰). براساس آیات قرآن، داستان‌های قرآنی، ساختگی و افسانه‌ای نیست؛ بلکه واقعیت‌هایی است که خردمندان از آن‌ها عبرت می‌گیرند و موجب هدایت مؤمنان می‌شود. در نظر جوادی آملی، داستان‌های قرآن کریم از بهترین روش قصه‌سرایی برخوردار است: «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ» (یوسف/۱۲)؛ یعنی به بهترین و شیواترین سبک داستان را بر تو نازل می‌کنیم؛ بنابراین، همه قصه‌های قرآنی با روشی أَحْسَن بیان شده است. حُسن داستان در این است که گذشته از اشتغال بر محتوای حکیمانه، کم و کیف آن نیز از زیبایی روشی بهره‌مند باشد؛ یعنی اگر داستانی مکرر بیان شد، حتماً تکرر آن قصه حکمتی دارد که مصلحت مزبور بدون تکرار حاصل نمی‌شود. قصه حضرت موسی (ع) بیش از داستان پیامبران دیگر، حتی حضرت ابراهیم (ع)، در قرآن مجید آمده و قصه بنی‌اسرائیل نیز افزون بر همه قصه‌های دیگر در قرآن کریم طرح شده است. سبب تکرر آن و تکرار این فلسفه مخصوصی دارد (همان، ج ۵: ۲۲۳). از ویژگی‌های داستان‌های قرآنی این است که دوره به هیچ‌وجه بد آموزی ندارند، زمانی وقوع رویدادها را بیان نمی‌کند و دیگر این که معمولاً با بیان سرانجام داستان و نتیجه‌گیری صریح، پایان می‌یابد. از جمله معیارهای نقل داستان‌های اخلاقی در اندیشه جوادی توجه به تقوا و توحیدمحوری آن‌هاست. ایشان در این باره نوشته‌اند که بهترین روش داستان‌سرایی آن است که انسان را به بهترین زاد آشنا کند و به بهترین مقصد برساند. قرآن آن زاد را تقوا دانسته و آن قولی را که احسن الأقوال است و انسان را به بهترین مقصد می‌رساند قول توحید می‌داند. پس «احسن القصص» بودن داستان‌های قرآنی برای این است که احسن الزاد را که تقواست به همراه دارد و به احسن الاهداف که توحید است می‌رساند (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۷: ۴۲). نکته مهمی که جوادی آملی به آن تذکر داده‌اند این است که در کنار داستان باید یک مفهوم و یا یک پیام اخلاقی به تربی آموزش داده شود. ایشان در این ارتباط فرموده‌اند که در قصه‌های قرآنی، چون خدای سبحان در کنار داستان یک اصل کلی را ارائه می‌دهد معلوم می‌شود که این مورد خاص، نمونه‌ای از آن اصل کلی است و قضیه اتفاقیه نیست بلکه مصداق یک جامع حقیقی و فرد یک کلی است و البته اسلوب کتاب جاوید باید بر این باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۲۸۵).

۳-۲-۶- مباحثه و گفتگو

از روش‌های دیگری که می‌توان در تربیت اخلاقی بهره گرفت مباحثه^۱ و گفتگو^۲ با مرتبی درباره مسائل اخلاقی است. از جمله تکنیک‌هایی که در گفتگو با مرتبی کمک می‌کند بتواند منطقی فکر کند و حاکمیت منطق بر دبالوگ را بپذیرد این است که پیش‌فرض‌های نادرست قبلی او رد شود، پس رویارویی منطقی در گفتگوهای اخلاقی مهم و تأثیرگذار است. تکنیک دوم یا یکی از شروط گفتگو این است که با حُسن نیت همراه باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۵: ۷۷). تکنیک بعدی زمینه‌سازی برای مشارکت مرتبی در گفتگو می‌باشد، در این راستا باید بدانیم که گفتگوی بدون مشارکت مرتبی متزلزل است. برای آنکه مشارکت مرتبی را در گفتگو ارتقاء دهیم باید بر داشته‌ها و تجارب قبلی او توجه ویژه‌ای داشته باشیم، چون رسیدن به سطح دانشی و تجربی مرتبی در مسائل و مباحث اخلاقی در کیفیت مشارکت او در گفتگو مؤثر است. در همسویی با همین تکنیک‌ها جوادی آملی بر رعایت قوانین و قواعد محاوره در گفتگو تأکید دارند (همان، ج ۱: ۲۱۶). مثلاً یکی از قواعدی که در سیره پیامبر اکرم (ص) هم مشهود بوده آن است که به‌هنگام گفتگو، همه چهره خویش را به سوی شنونده می‌کرد و نیم‌رخ، با کسی سخن نمی‌گفت (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۲۷) یا گفتار کریمانه داشتن و کریمانه گفتگو نمودن، حرف خوب زدن و خوب حرف زدن از دیگر قواعدی است که جوادی آملی مهم می‌داند (همان: ۳۳۱). جوادی آملی نظر بر آن دارند که انسان باید در هر زمینه‌ای میدان گفتگو و مجال اعتراض را باز بگذارد و با آغوش باز از آن استقبال کند؛ چنان که ذات اقدس خداوند مجال گفتگو و سؤالِ شبیه به اعتراض را به فرشتگان داد؛ به گونه‌ای که آنان با آگاهی از عظمت و حکمت خدا، مرعوب او نشدند و بدون آن که تحت تأثیر هیبتش قرار گیرند پرسش خویش را مطرح کردند و خداوند نیز با عنایت و لطف خاص و با کمال حلم و مدارا و ارائه دلیل مشهود و معقول آنان را قانع کرد و جالب است که خداوند باب اشکال و گفتگو را برای ابلیس لعین نیز باز گذاشت؛ آنجا که وی به خدای سبحان گفت: «خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ» (اعراف/۱۲)، پس آنان که خود را برتر از اشکال و

۱. بر اساس دیدگاه جوادی آملی «مباحثه» به غبار شبهات و اشکالات را کنار زدن و مطلب حق را با کمک فکری یکدیگر جست‌وجو کردن تعریف و شناخته می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۳۴۲).

2. Dialogue

اعتراض می‌بینند به خود آیند و از این ماجرا عبرت گیرند و بدانند که با این خودپسندی و خودبرتربینی، ناخودآگاه، خویش را فوق عزیز جبار قلمداد کرده‌اند (همان، ج ۳: ۸۸).

۳-۲-۷- تذکر

تذکر روش تربیتی همه پیامبران الهی در برابر همه انسان‌ها و بالأخص مؤمنان بوده است. استفاده از روش تذکر به این خاطر بوده تا انسان‌ها آنچه را می‌دانسته‌اند فراموش نکنند و بر عهد و پیمان خود وفادار باشند خود را از خواب غفلت بیرون نموده و حقایق درونی و فطری خود را احیاء و زنده نمایند (جوادی آملی، ۱۳۹۰ الف: ۱۴۳). در اصل منظور از روش تذکر، گفتار و یا رفتاری است که از مربی سر می‌زند تا مرتبی را نسبت به آنچه که از یاد برده و یا از آن غفلت کرده است، و یا از آن بی‌خبر است و اطلاع از آن برای او لازم است، آگاه سازد و احساسات او را در قبال آن‌ها برانگیزد؛ چراکه انسان به دلیل برخورداری از شئون مختلف و درگیری‌های ذهنی، پیوسته در معرض فراموشی و غفلت است و چه بسا، ضروری‌ترین چیزهایی را که در مسیر تکامل خود به آن نیازمند است از یاد می‌برد. این روش از نظر آیات الهی به اندازه‌ای اهمیت دارد که در برخی از آیات وظیفه پیامبر اسلام (ص) را همین دانسته است، که آدمی را به آنچه که فراموش نموده یادآوری نما! بنابراین در همین خصوص خطاب به خاتم پیامبران (ص) می‌فرماید: «إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ» (غاشیه/۲۱)؛ تو فقط تذکر دهنده‌ای. چه اینکه قرآن خود را نیز با همین وصف معرفی می‌نماید: «إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا» (انسان/۲۹)؛ این یک تذکر و یادآوری است، و هر کس بخواهد (با استفاده از آن) راهی به سوی پروردگارش برمی‌گزیند. و حتی در برخی از آیات خود را «ذکر» معرفی می‌کند: «إِنَّا نَحْنُ نُزَلِّلُ الذُّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر/۹)؛ این ماییم که این ذکر (قرآن) را نازل کرده‌ایم و ما آن را به‌طور قطع حفظ خواهیم کرد. در دیدگاه جوادی آملی چرایی بهره‌گیری از تذکر این است که گاهی آموزش مفاهیم دینی مسبوق به آگاهی قبلی مخاطبان است و جنبه یادآوری دارد. از این رو با کلمه «تذکره» بیان می‌شود. از نظر ایشان خطوط کلی معارف دین در نهان بشر هست و مربی می‌کوشد فطرت خوابیده انسان را بیدار کند تا افزون بر آموختن جزئیات فرعی دین، داده‌های فطری او را شکوفا سازد و آنچه را در نهان او نهاده شده است، یادآوری کند (جوادی آملی، ۱۳۹۷ ب: ۹۸). ایشان در جای دیگری در

مورد مقصود از ذکر و تذکره نوشته‌اند ذکر و تذکره در جایی استعمال می‌شود که انسان نسبت به چیزی سابقه معرفت داشته باشد و نسیانی متخلخل شده باشد و این نسیان وسط، پرده‌ای بر معرفت پیشین افکنده باشد، تذکر و یادآوری، آن معرفت پیشین را شکوفا می‌کند و دوباره همان مطلب در ذهن بارور می‌شود (همان: ۷۷). همان‌طور که در ابتدای این روش هم عرض شد تذکر یا از نوع گفتار است و یا از نوع رفتار، در همین جهت جوادی آملی معتقدند که با توجه به این دو نوع تذکر که در قرآن هم مورد تأکید بوده است، مربی باید بتواند هم در قول (لفظ) و هم در فعل (تکونین) متذکر باشد و مرتباً را به غفلت‌هایش یادآوری کند (همان: ۷۹).

۳-۲-۸- موعظه حسنه

موعظه حسنه روشی است که در آیه ۱۲۵ سوره مبارکه نحل^۱ توصیه شده و در مرتب‌ترین حالت بازدارندگی و بیم از بدی ایجاد و او را لطیف می‌کند. موعظه کلامی است که به دل نرمی و رقت می‌دهد، قساوت را از دل می‌برد، خشم و شهوت را فرو می‌نشاند، هواهای نفسانی را تسکین و به دل صفا و جلا می‌دهد. هیچ‌کس از موعظه بی‌نیاز نیست، ممکن است فردی از تعلیم شخص دیگر بی‌نیاز باشد، اما از موعظه بی‌نیاز نمی‌باشد؛ زیرا دانستن یک مطلب است و موعظه شدن مطلبی دیگر. موعظه‌ای را حسنه گویند که تحریک عواطف می‌کند، عواطف انسان را تحریک کرده و او را از خواب غفلت بیدار می‌سازد و به سوی خداوند و ارزش‌های الهی رهنمون نماید. در دیدگاه جوادی آملی موعظه عبارت از «جذب الخلق الی الحق» است (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۷: ۲۳۱). کلمه حسنه اشاره به این است که آن موعظه‌ای اثربخش است که از هرگونه آلودگی مانند تحمیل، فشار، خشونت، غرض‌ورزی، و تحقیر خالی باشد، و گرنه به عکس موجب تحریک، لجاجت و سرکشی طرف مقابل می‌شود. یکی از شرایط موعظه این است که باید خود فردی که موعظه می‌نماید، نمونه و الگوی کاملی از آن باشد. به عبارتی به آنچه که به مرتب‌ترین سفارش می‌کند، خود عامل باشد. دوم آنکه به موعظه باید رسا و بلیغ بوده و از شرایط بلیغ بودن این است که به‌جا و متناسب با وضعیت فکری و حساسیت‌های روحی مرتب‌ترین باشد. در دیدگاه جوادی آملی قرآن

۱. «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»

کریم مصداق بزرگ موعظه است، آب حیاتی است که قلب‌ها را زنده می‌کند و دردها را شفا می‌بخشد (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۵۹۸)، ایشان ذیل این مطلب در کتاب «زن در آینه جلال و جمال» نوشته‌اند که قرآن کریم سعی دارد از راه موعظه، که ارتباط تنگاتنگ و مستقیم با قلب و دل دارد، با انسان سخن بگوید و او را هدایت کند (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۲۷۴). از نظر جوادی آملی، موعظه تیری است که اگر حساب شده از چله زبان مریبی رها شود، قلب مرتبی را شکار می‌کند. موعظه در قالب‌های متفاوتی می‌تواند صورت پذیرد که یکی از آن‌ها، یادآوری نعمت‌هایی است که خداوند عطا کرده است. در دیدگاه جوادی آملی موعظه‌پذیری انسان، به نحو مانع الخلو، دو راه دارد: راهی از درون که عبارت از برخورداری از قلبی زنده و بیدار است: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ» (ق/۳۷) و راهی از برون که عبارت از داشتن گوشه شنواست: «أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ» (ق/۳۷) (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۵: ۲۶۵).

۳-۲-۹- سوژه‌های طبیعت محور

طبق این روش آنچه که در طبیعت، عالم خلقت و اسرار پیرامون مرتبی وجود دارد از ظرفیت مطلوبی برای استفاده در تربیت اخلاقی برخوردار هستند. معرفت بر طبیعت می‌تواند منجر به شناخت بیشتر خویشتن و جایگاه خود در جهان هستی شود. به‌عنوان مثال در شناخت خویشتن خویش این نکته می‌تواند به دست آید که چون طبیعت مسخر انسان است. پس مرتبی واجد عزت نفس و ارزشمندی می‌شود. نیز سوژه‌های طبیعی راهی برای شناخت عمیق‌تر خداوند و کلاس خداشناسی نیز محسوب می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۱۳). این یاددهی به مرتبی می‌آموزاند که همه موجودات عالم امکان، متعلق و وابسته به ذات اقدس پروردگار، و مملوک اویند (همان: ۱۶۹). پس توجه به نظام اعلی و نظام غایی در خلقت می‌تواند در مرتبی به‌وجود آید (همان: ۱۳۶). حتی در این روش ظرفیت آموزش ایجاد و تقویت باور به معاد هم وجود دارد. طبق این روش مرتبی را باید طوری تربیت کرد که بداند عملکرد و کنش و واکنشی که از انسان صادر می‌شود، تأثیری مستقیم در طبیعت داشته و در صحت یا مرض فضای پیرامون مؤثر است. اعمال نیک و خیر انسانی در طبیعت، سبب رشد و کمال طبیعت و کردار زشت و نازیبای بشری، موجب انحطاط و سقوط طبیعت است (همان: ۱۵). نکته ویژه‌ای که جوادی آملی به آن تأکید دارند این

است متربی بدانند رابطه‌اش با طبیعت طوری باشد که او ارزش وجودی خود را تحصیل و حفظ کرده و امین خدا باشد، در این صورت است که رابطه‌ای تسخیری داشته و می‌تواند چرخ نیلوفری را به زیر آورد و ابر و باد و مه و خورشید و فلک را به خدمت خود دریاورد (همان: ۱۶۸). از جمله آورده‌های این روش این است که چون آثار حوادث طبیعی و سرگذشت انسان‌های ماقبل ثبت و ضبط می‌شود؛ از این رو ضرورت گردشگری و طبیعت گردی و مایه عبرت ساختن پیشینیان برای متربی ظهور پیدا می‌کند.

۳-۲-۱۰- یاد معاد

اعتقاد به قیامت و یاد معاد حرکت آفرین بوده (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ب: ۲۳۲) و یکی از مهم‌ترین روش‌ها در هدایت اخلاقی انسان است که در آیات فراوانی از قرآن کریم نسبت به آن تأکید شده و سخن به میان آمده است (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ب: ۱۷۱). اگر انسان خود را در برابر رب العالمین مسئول دانست و معتقد بود که روزی باید پاسخ‌گویی همه کارهایش باشد، این اعتقاد، در تهذیب و تزکیه جان او مؤثر است (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۳۹۱). جوادی آملی (۱۳۹۷: ج) در دیدار با پروفسور «ونسان فرولدی» مدیر روابط اسلام و مسیحیت شورای کاردینال فرانسه به همراه پروفسور «هانری دوله‌وگ» رئیس دانشکده الهیات کاتولیک پاریس و مدیر مرکز تعالیم علوم دینی مسیحیت فرموده‌اند که اعتقاد به معاد بهترین مکتب آموزنده است، زیرا در قیامت همه، عقاید، خاطرات و رفتار خود را یکجا می‌بینیم و چنین عالمی برای ابد می‌ماند و همین اعتقاد می‌تواند زیستی اخلاق مدار را برای انسان تضمین و فراهم کند. و اما جوادی آملی به‌طور خاص در مورد نقش یاد معاد در اخلاق نوشته‌اند که صفات برجسته اخلاق در کنار یاد معاد و تذکر قیامت به کمال لازم می‌رسد؛ زیرا یاد مرگ، و عذاب قیامت انسان را دل شکسته و قلب او را خاشع می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ج ۴: ۵۲).

طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی بر اساس دیدگاه آیت الله جوادی آملی

جدول ۵: استخراج روش‌های یاددهی- یادگیری از مبانی فلسفی، اهداف و محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی مبتنی بر دیدگاه جوادی آملی

اهداف واسطه‌ای استخراج شده	دستورالعمل‌های تألیف، انتخاب و تدوین محتوا	روش‌های یاددهی - یادگیری	هدف غایی	مبانی فلسفی
شناخت خدا			رسیدن متربی به مقام خلیفه الهی و تمام مملکتی	مبانی هستی‌شناختی
شناخت جنبه‌های گوناگون خویشتن آگاهی و عمل به مسئولیت‌ها تقویت نیروی اراده کسب آمادگی برای خدمت به خلق	تبعیت از زبان فارسی و واژگان آشنا بهره‌گیری از راهبردهای متنوع محوریت قرآن کریم و احادیث استفاده از سرگذشت و ادبیات پیشینیان تأثیرپذیری از فضای زمانه تناسب حکیمانه منع تفسیر به رأی صلابت و لطافت	تحریک احساسات و تدریس مبتنی بر محبت استدلال شبهه زدایی بیان مثال نقل داستان‌های اخلاقی مباحثه و گفتگو تذکر موعظه حسنه سوره‌های طبیعت محور یاد معاد		مبانی انسان‌شناختی
اندیشیدن قبل از عمل تبعیت از حق در امور و قضاوت‌های اخلاقی معرفت بر نتیجه دنیوی و اخرویی نیات و عملکردهای اخلاقی زیبایی بینی در افعال خدا				مبانی معرفت‌شناختی
				مبانی ارزش‌شناختی

۴-۲- روش‌های ارزشیابی

ارزشیابی ابزاری است برای سنجش عملکرد یادگیرندگان و مقایسه نتایج حاصل از آن با هدف‌های آموزشی از پیش تعیین شده به منظور تصمیم‌گیری در این باره که آیا فعالیت‌های آموزشی مربی و کوشش‌های یادگیری دانش‌آموزان به نتایج مطلوب انجامیده است یا خیر، به عبارت دیگر ارزشیابی اساساً به دو دلیل انجام می‌گیرد: یکی تصمیم‌گیری در مورد گزینش یا رد چیزی و دوم تصمیم‌گیری در مورد چگونگی بهسازی آن چیز (سیف، ۱۴۰۰). در مصوبه هفتصد و نودوسومین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۸۸) ارزشیابی به فرآیند نظام‌دار برای جمع‌آوری، تحلیل

و تفسیر اطلاعات به منظور تعیین میزان تحقق اهداف مورد نظر، براساس ملاک‌ها و معیارهای مشخص شده، اطلاق می‌شود. طبق نظر جوادی آملی ارزیابی هر چیزی متناسب با ایده‌آل آن است که سنجیده و مقایسه می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۶۹). ارزشیابی ناظر بر این است که آیا متریبان به اهداف مشخص شده در زمینه مفاهیم اخلاقی دست یافته‌اند؟ آیا با محتوا ارتباط خوبی برقرار کرده‌اند؟ مطلب دیگر در هر چهار نوع روش پیشنهادی این بخش آن است که ارزشیابی صرفاً ابزاری برای سنجش نیست، بلکه خود جزئی از فرایند یادگیری است. به عبارتی ارزشیابی رویکردی فرایندی دارد و به عنوان نقطه عزیمتی برای یادگیری‌های بعدی فرض می‌شود. بر اساس دیدگاه جوادی آملی تربیت اخلاقی و کمال در آن را نمی‌توان با واحدهای کمی ارزیابی کرد. با این حال در داخل رویکرد فرایندی باید از روش‌های کیفی استفاده کرد تا این که فهمید یادگیری مفاهیم اخلاقی در چه حد و چگونه بوده است. در این ارزشیابی مریبی و متربی به نقاط قوت و ضعف خود آشنا می‌شوند و به جبران نقایص احتمالی می‌پردازند و چگونه یاد دادن و چگونه یاد گرفتن برایشان مهم است. به این معنا که ارزشیابی در نقش یاری کننده و توان‌بخش به فرایند یاددهی یادگیری مطرح می‌شود. در این راستا جوانویچ و مینیچ^۱ (۲۰۱۶) بر این نکته اشاره کرده‌اند که ارزشیابی باید در خدمت یادگیری باشد و بتواند به بهبود کیفیت آن کمک کند. نهایتاً این که روش‌های ارزشیابی پیشنهاد شده کاملاً همسو و متناسب با اهداف و محتوای مرتبط با تربیت اخلاقی است، به این معنا که روش‌های پیشنهادی در جهت انتخاب شده‌اند که متربی را فعال در نظر گرفته و به جنبه کاربردی ارزشیابی، نظرات پیگیرانه والدین و علی‌الخصوص خود متربی تمرکز دارند.

۴-۲-۱- خودارزیابی

خودارزیابی، ارزشیابی متربی از نتایج و کوشش‌های یادگیری خودش است. این که مریبی شرایطی را در کلاس به وجود آورد تا متریبان بتوانند درباره کیفیت یادگیری خود به ارزیابی بپردازند. جوادی آملی از «خودارزیابی» با عنوان «برگزاری انتخابات درونی» یاد می‌کنند. بدین صورت که در ارزیابی تربیتی اعضایی که در قلمرو حیات ما زندگی می‌کنند، این قافله طولانی و

1. Jovanovic & Minic

پر جمعیتی از اندیشه‌ها و بینش‌های علمی از یک سو و از خواسته‌ها و گرایش‌های عملی از سوی دیگر که هستی ما را تشکیل می‌دهند، در مدّت عمر، باید انتخابات آزادی در درون جان خود برگزار کنیم و گزینش اعتقادی و رفتاری آن‌ها را جویا شویم (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ب: ۱۹۹). همچنین جوادی آملی از تعبیر محاسبه نیز برای خودارزیابی استفاده کرده‌اند. بر اساس آنچه در مبانی فلسفی عرض شد ریزترین حرکات و رفتارهای متریان در حوزه‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... نکته‌ای است که در خودارزیابی قابل تأمل می‌باشد. بنابر محاسبه، متربی نباید لحظه‌ای از وجود خویش غفلت کند؛ چرا که کمترین خواسته‌ها، نیات، افکار، حالات و افعال باطل در جدایی از مفاهیم اخلاقی تأثیرگذار است. متربی نباید هیچ‌گاه از کوچک‌ترین حرکات خویش غافل شود؛ چون کوچکترین حرکت باطل در تقویت باطل و دوری انسان از ارزش‌های اخلاقی نقش دارد. خدای سبحان می‌فرماید: «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ» (همزه/ ۱)، حتی قرآن روی حرکت لب‌های انسان تکیه می‌کند که مبادا به گونه‌ای حرکت دهد که کسی را بیازارد و یا تحقیر کند. چنانکه حرکت چشم و نحوه دیدن مورد محاسبه واقع می‌شود. «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ»، بنابراین متربی نباید از محاسبه خویش غفلت ورزد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۵۷). انسان با بررسی اوصاف یا صفات خویش می‌تواند از جایگزینی تدریجی خودپنداری یا مراتب پایین وجود که با فطرت او بیگانه است جلوگیری نماید و از عادت کردن به صفات رذیله خودش را نجات دهد. اگر به گناه عادت کند دست کشیدن از گناه به راحتی و سهولت میسر نمی‌شود؛ زیرا با آلوده شدن به گناه وجود خویش را تنزل داده و با این تنزل او دیگر دارای اراده نیست؛ بلکه دارای میل است که نمی‌تواند اعتیاد گناه را رفع کند و بیگانه را از وجود خویش خارج کند (همان: ۳۴۷). جوادی آملی در کتاب حکمت علوی (۱۳۸۸: د: ۱۰۰) چنین تذکر می‌دهد که پیش از آنکه روز محاسبه فرا رسد، حسابگر خود باشید. از نتایج خودارزیابی جوادی آملی این طور سخن گفته‌اند: انسانی که اهل محاسبه باشد، خود را بدهکار می‌بیند؛ وقتی بدهکار ببیند، هرگز اهل تمرّد، غرور، تکبر و مانند اینها نیست و خاضع و خاشع می‌شود و نتیجه‌اش نیز در همه شئون زندگی او مخصوصاً در نماز ظهور می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ب: ۱۹۶).

۴-۲-۲- نظر و قضاوت مربی

هدف بهره‌گیری از نظرات مربی، ایجاد فرصتی است تا او بتواند به گونه‌ای منظم، دقیق و هدفمند وضعیت تدریس خود را ارزیابی و توفیقات مربی را در چگونگی نیل به اهداف تحلیل کند. نظر و قضاوت مربی باید بتواند وضعیت مربی را با حدود انتظارات مربی و هم با وضعیت قبلی خود مربی مقایسه کند. جوادی آملی در ارتباط با مقایسه وضعیت مربی نسبت به انتظارات مربی این طور آورده‌اند که هر حقی اصلی دارد که آن اصل میزان سنجش و معیار ارزیابی این حق است و هر صوابی [امر واقعی] نورانی دارد که صواب مزبور به وسیله آن نور شناسایی می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۸۰).

۴-۲-۳- مشارکت والدین

ارتباط نزدیک مداوم و مستمر مربی با والدین و تمایل و علاقه وافر آن‌ها در کمک به فرزندان خود در امور تربیتی و اخلاقی همچنن هماهنگی و همکاری بین مربی رسمی و والدین در ارزشیابی کیفی نقش و جایگاه آن‌ها را ممتاز کرده است. البته مشارکت والدین در ارزشیابی فرزند خود در آموزش و پرورش امروز جمهوری اسلامی ایران مورد توجه سیاست‌گذاران تربیتی بوده است. به طور مثال در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) نقش والدین در تربیت فرزندان ضروری شمرده شده است و بر اساس آن در سند برنامه درسی ملی (۱۳۹۱) در بندهای ۶ و ۱۱ به صراحت بر نقش مشارکت والدین در ارزشیابی آموزشی و تربیتی تأکید شده است. در بند ۶ اشاره شده که «برای تبیین و منعکس نمودن ظرفیت‌های وجودی و وجوه توانایی‌های متفاوت هر یک از دانش‌آموزان، امکان مشارکت سایر دانش‌آموزان، مربیان و اولیا در امر سنجش را فراهم کند». در بند ۱۱ نیز آمده است «با تأکید بر بهره‌گیری از تکالیف عملکردی در سنجش میزان دستیابی دانش‌آموزان به شایستگی‌ها گزارش عملکرد تحصیلی و تربیتی آنان با همکاری دانش‌آموز، اولیای مدرسه و والدین تنظیم و ارائه شود». و اما در مورد نظر خاص جوادی آملی باید گفت که ایشان ضمن اشاره به جایگاه ویژه والدین در فرایند تربیت اخلاقی معتقدند که خدای سبحان احسان و تربیت آن‌ها نسبت به فرزندان را ملاحظه می‌کند و بر تک‌تک لحظات آگاه است (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۵: ۳۷۹). در مورد جایگاه والدین در تربیت اخلاقی این‌طور نظر داده‌اند که از مهم‌ترین وظایف‌شان، تربیت فرزندان بر اساس اخلاقیات است (جوادی آملی،

۱۳۸۸ب: ۵۱). طبق این سخن، والدین باید با حضور منظم مداوم و فعال در مدرسه از وضعیت تربیت اخلاقی مطلع شوند. نسبت به تغییر رفتارهای فرزندان خود در محیط خانه گزارش تهیه کرده و به مدرسه و مربی تحویل دهند. آن‌ها همچنین باید به مربی در انجام وظایف و تکالیف خارج از کلاس و مدرسه و راهنمایی و هدایت آن براساس سیاست‌های تعریف شده مربی کمک کنند. اهمیت این اتفاقات را می‌توان در آثار جوادی آملی مشاهده کرد آنجا که نوشته‌اند همه مؤمنان مأمورند خود و اهل خویش را از آتش جهنم حفظ کنند «یا ایها الذین آمنوا قوا أنفسکم وأهلیکم ناراً» (تحریم/۶)، از نظر جوادی آملی، بر پایه اطلاق واژه «اهل» بر پدر و مادر است که فرزندان خود را راه بنمایانند و آنان را از گمراهی بازدارند (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۲۱: ۱۱۶). مشارکت والدین در ارزشیابی، نتایج مثبتی برای مربی دارد، این مشارکت از یکسو شرایط یادگیری مفاهیم اخلاقی را تسهیل کرده و به رشد اخلاقی او کمک می‌کند و از سوی دیگر منجر به ایجاد انسجام و هماهنگی در مراحل تربیت‌پذیری اخلاقی می‌شود؛ به طوری که ادامه دغدغه‌های مربی در محیط خانواده دنبال می‌شود و نظرات والدین در کیفیت رفتاری مربی و تغییرات به وجود آمده در آن ثبت و ضبط می‌شود و به اطلاع مربی رسانده می‌شود تا او بتواند نسبت به اثربخشی آموزش‌های خود تصمیم بگیرد. باید بدانیم که والدین، مربیان و مربیان باید همه دست به دست هم دهند تا بهترین نتیجه را در آموزش کسب کنند. فقدان یکی از این سه مورد تأثیرگذار است. اگر والدین و مربیان نتوانند با هم همکاری کنند، آموزش فرد کاملاً به خطر می‌افتد. این در حالی است که جوادی آملی به والدین توصیه کرده که هیچ یک از آن‌ها نباید کاری کنند تا به فرزندشان آسیب برسد (همان، ج ۱۱: ۳۶۷). اگر تعارضی بین خانه و مدرسه باشد، ممکن است رفتار اخلاقی که مدرسه برای آن تلاش می‌کند، به خوبی جا نیفتد. جوادی آملی در جای دیگر این هشدار را داده‌اند که اگر والدین حقوق فرزندان خویش را رعایت کنند اطفال از خطر انحراف مصون و محفوظ می‌مانند و گرنه در مقابل طوفان حوادث سهمگین روزگار آسیب‌پذیر خواهند بود. اگر والدین، فرزندان را به حقوقشان آشنا کنند و در تحصیل آن، ایشان را تشویق نمایند، در بزرگسالی بهره آن را خواهند برد (جوادی آملی، ۱۳۸۴الف: ۳۱۹). از این مطلب می‌توان استنباط کرد که اگر والدین در جایگاه ارزشیابی بتوانند به مربی کمک کنند و همراه او باشند زمینه برای

زندگی اخلاقی مطلوب تربی در آینده آماده می شود و او بهتر می تواند در دوره های بعدی زندگی متخلق به اخلاق باشد.

۴-۲-۴- ارزیابی تیمی

ارزیابی تیمی متریان در زمینه شناخت، داشتن حس خوب و عمل به اهداف تربیت اخلاقی چهارمین نوع از روش هاست. در این نوع از ارزشیابی، متریان به طور فعال و به صورت گروهی در امر ارزشیابی شرکت و با هم همکاری می کنند. فایده این نوع از ارزشیابی آن است که متریان از هم یاد می گیرند و اعتماد به نفسشان ارتقاء می یابد. شادی و نشاط آور بودن دومین فایده برای ارزیابی گروهی است. یکی از ابزارهای مربی برای ارزیابی متریان تدوین پروژه های تیمی، مدیریت و بازخورد نسبت به آن است. مربی می تواند در تکوین و نیز در پایان آماده سازی پروژه های اخلاق محور به ارزیابی و اعلام نظر پردازد و با نتیجه اقدامات متریان مواجه باشد. البته آموزش کار گروهی و فرهنگ گروه تأثیر مهمی در ارتقاء کیفیت یاددهی - یادگیری و معناگراتر شدن ارزیابی دارند. یکی از شرایطی که جوادی آملی بر رعایت آن در ارزیابی گروهی و مشارکتی توصیه فرموده اند، احترام به «تفاوت های بین فردی» است. نظر ایشان این طور است که: استعداد افراد جامعه و دستاوردهایشان گوناگون است، هر چند در شرایطی همگون و همسان زندگی کنند. هم مردان با همدیگر تفاوت دارند، هم زنان نسبت به همدیگر و هم زن و مرد در مقایسه با یکدیگر. اصل وجود تفاوت های تکوینی که ناشی از تنوع استعدادهاست، مسلم و در نظام خلقت پسندیده درجات مختلفی دارد، و اگر همگان همسان باشند، چرخ زندگی اجتماعی و شخصی نمی گردد؛ جامعه ای که همه افرادش تنها استعداد تجربی یا ریاضی یا فلسفی یا فقهی یا هنری یا ادبی و ... داشته یا به مشاغل بازرگانی یا کشاورزی یا دامداری یا اداری یا ... علاقه مند باشند، جامعه ای درمانده است. در نظام احسن به حسب نیازها، استعدادهایی گونه گونه در سطح های مختلف لازم است که اکنون چنین است. هر کسی هوش، همت و توان خاص خود را دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۱۸: ۵۰۷-۵۰۶).

طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی بر اساس دیدگاه آیت الله جوادی آملی

جدول ۶: استخراج روش‌های ارزشیابی از مبانی فلسفی، اهداف، محتوا و روش‌های یاددهی - یادگیری برنامه درسی تربیت اخلاقی مبتنی بر دیدگاه جوادی آملی

روش‌های ارزشیابی پیشرفت تحصیلی	روش‌های یاددهی - یادگیری	دستورالعمل‌های تألیف، انتخاب و تدوین محتوا	اهداف واسطه‌ای استخراج شده	هدف غایی	مبانی فلسفی
خودارزیابی نظر و قضاوت مری مشارکت فعال والدین ارزیابی تیمی	ایجاد واکنش و احساس محبت به خداوند استدلال شبهه‌زدایی بیان مثال نقل داستان‌های اخلاقی مباحثه و گفتگو تذکر موعظه حسنه سوره‌های طبیعت محور یاد معاد	تبعیت از زبان فارسی و واژگان آشنا بهره‌گیری از راهبردهای متنوع محوریت قرآن کریم و احادیث استفاده از سرگذشت و ادبیات پیشینیان تأثیرپذیری از فضای زمانه تناسب حکیمانه منع تفسیر به رأی صلابت و لطافت	شناخت خدا	رسیدن مری به مقام خلیفه الهی و امر به عین و نهی عن کاره	مبانی هستی‌شناختی
			شناخت جنبه‌های گوناگون خویشتن آگاهی و عمل به مسئولیت‌ها تقویت نیروی اراده کسب آمادگی برای خدمت به خلق		مبانی انسان‌شناختی
			اندیشیدن قبل از عمل تبعیت از حق در امور و قضاوت‌های اخلاقی معرفت بر نتیجه دنیوی و اخرویی نیات و عملکردهای اخلاقی		مبانی معرفت‌شناختی
			زیبایی‌بینی در افعال خدا		مبانی ارزش‌شناختی

با توجه به اهمیت و حساسیت آموزش اخلاق و مفاهیم اخلاقی به دانش‌آموزان اعتباریابی الگو نیز انجام شد. روش اعتباریابی مصاحبه کانونی با هفت متخصص مذکور در بخش روش پژوهش بود که آن‌ها به دلیل محدودیت‌های ناشی از بیماری کرونا در فضای اسکای روم گرد هم آمدند و الگو و عناصر آن را پیرامون «متناسب بودن با تربیت اخلاقی، قابل دفاع بودن بر اساس دانش و منطق برنامه درسی، انسجام و هماهنگی، قابلیت به کارگیری و تعادل» مورد ارزیابی قرار دادند. ارزیابی‌ها و اصلاحات درخواستی متخصصان تا سه جلسه ادامه یافت تا این که اعتبار الگو با توافق بالا تأیید شد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش با هدف طراحی برنامه درسی تربیت اخلاقی بر اساس دیدگاه‌های جوادی آملی انجام شد. در این راستا آثار جوادی آملی به صورت دقیق مورد مطالعه قرار گرفت و دلالت‌های آن برای عناصری چون اهداف، محتوا، روش‌های یاددهی - یادگیری و روش‌های ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به دست آمد. آنچه از دیدگاه جوادی آملی به دست آمد نشان داد که همه ذرات عالم هستی به سوی کمال در حرکتند و مسیر امر الهی را طی می‌کنند، انسان نیز سعی می‌کند با رسیدن به کمال مطلوب خود را با سایر مخلوقات وفق دهد و با مجموعه جهان آفرینش هماهنگ سازد، راه هماهنگ شدن با نظام پیوسته جهان، در سیر به سوی کمال مطوب، کسب فضایل اخلاقی است. اخلاق این توانایی را دارد که انسان متخلق را در این مسیر با این مجموعه هماهنگ کند، انسان نیز پذیرای چنین هماهنگی است و در مسیر کمال مطلق در حرکت است. طبق این الگوی ارائه شده در مقاله ابتدای تربیت اخلاقی هدف‌گذاری است که حول محور قرب الهی و خلیفه‌اللهی انسان می‌گردد و تمرکز بر آن است به گونه‌ای که صبغه الهی را در دانش، گرایش و رفتار متربی انتظار دارد. این نوع هدف‌گذاری در پژوهش شاملی و همکاران (۱۳۹۰) و امید و همکاران (۱۳۹۶) نیز مورد توصیه بوده است. دومین عنصر محتوا بود، در این عنصر این نتیجه حاصل شد که محتوای تربیت اخلاقی باید واجد تنوعات قرآنی و حدیثی، تاریخی و ادبی بوده و از فضای اجتماعی و فرهنگی زمانه بهره‌مند باشد. در پژوهش افکاری (۱۳۹۲) بر عدم رعایت چنین دستورالعمل‌هایی در محتوای رسمی مدارس تأکید شده است. سومین عنصر روش‌های یاددهی -

یادگیری بود، طبق این عنصر مواردی استخراج شد که بیشترین انطباق را با شرایط تربیتی داشته باشد و جایگاه ویژه‌ای به او بدهد. از نوآوری‌های این عنصر پرداختن به شبهه‌زدایی اخلاقی بود، متأسفانه این مهم در برنامه درسی تربیت اخلاقی مدارس ما جایگاهی ندارد و بر همین اساس آسیب‌های معرفتی به وجود می‌آید. در خدمت اهداف بودن روش‌ها اصل مهمی بود که در این عنصر اساس قرار گرفت. در این راستا گندم کار و همکاران (۱۳۹۸) نوشته‌اند که روش‌های تدریس به کار گرفته شده در تربیت اخلاقی حالتی از بالا به پایین دارد و کاملاً یک طرفه است و معلم از اقتدار بالایی برخوردار است، حال آن که انتظار می‌رود فعال بودن دانش‌آموزان و شبهه‌زدایی توأم با تعامل مورد استفاده قرار گیرد. روش‌های ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، آخرین عنصر بررسی شده بود، در این عنصر نیز سعی شد تا همه موارد کیفی بوده و حالت میچ‌گیری و اضطراب‌آوری نداشته باشد. این یافته با نتایج پژوهش غلام پور و همکاران (۱۴۰۰) همسو است، آن‌ها نیز بر استفاده از روش‌های کیفی در ارزشیابی تربیت اخلاقی توصیه کرده‌اند. در مجموع اعتبار الگو توسط متخصصان نامبرده شده در قسمت روش پژوهش، مورد بررسی و تأیید قرار گرفت که اطمینان لازم را برای اجرای این الگو فراهم می‌سازد. روش اعتباربخشی مصاحبه کانونی در فضای اسکای روم بود. آنچه نویسندگان می‌توانند به عنوان خاتمه در این قسمت اعلام کنند این است که طبق برنامه درسی طراحی شده می‌بایست از پتانسیل همه عناصر بهره برده شود، عناصر چهارگانه ضمن این که به لحاظ طولی وابسته هم هستند منتها هر کدام ظرفیت ویژه‌ای نیز دارند که نباید از آن غفلت کرد. به‌طور مثال در عنصر ارزشیابی این انتظار می‌رود که خود به مثابه امری تربیتی در نظر گرفته شود و فلسفه‌ای بیش از ارزشیابی دارد یعنی در خدمت یادگیری و کمک به تعالی اخلاقی دانش‌آموز نیز می‌باشد. علاوه بر این نکته می‌توان پیشنهادت زیر را هم ارائه کرد:

- از الگو در تربیت بدو خدمت و حین خدمت دبیران و مدیران متوسطه استفاده گردد و نحوه ارتباط میان عناصر برنامه درسی تربیت اخلاقی و نحوه استفاده از آن شرح داده شود.
- یافته‌های مرتبط با عنصر اهداف، در اسناد بالادستی تربیت اخلاقی دوره متوسطه ورود پیدا کند و با در نظر گرفتن استانداردهای محتوایی در قالب رئوس دروس عمومی جای بگیرد و تدریس شود.

- در بخش تدوین محتوا به اقتضائات زمانه و ظرفیت‌های تاریخی و ادبی توجه ویژه‌ای شود. به‌عنوان مثال می‌توان از محتوای آثار ارزشمند ادبی-دینی و اخلاقی شاعران و اندیشمندان معاصر مسلمان استفاده کرد. یا می‌توان از سوژه‌های درون مدرسه برای آموزش مفاهیم اخلاقی استفاده کرد این امر کمک می‌کند تا انس دانش‌آموزان با محتوا بیشتر شود.
 - با توجه به اقتضائات دانش‌آموزان دوره متوسطه که در سنین نوجوانی بوده و جویای حقیقت هستند روش‌های تدریس معرفی شده بالأخص مباحثه و شبهه‌زدایی در اولویت باشد.
 - در مورد روش‌های ارزشیابی نیز از هر چهار روش تجویز شده بهره گرفته شود، این روش‌ها با حقیقت اخلاق اسلامی و تربیت اخلاقی همخوانی بیشتری دارند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در الگوی پیشنهادی جایگاه ویژه‌ای برای والدین در نظر گرفته شده است که نقش مهم و پررنگی در پیگیری تربیت اخلاقی مدرسه در درون محیط خانواده دارند، از این رو جلسات منظم آموزشی و مستمر با آن‌ها هم می‌تواند رسیدن به منظور را تسهیل کند.
 - همچنین کنشگران دوره متوسطه با اتکا به این نوع تربیت اخلاقی، فضا و محیط آموزشی را به گونه‌ای طراحی کنند که دانش‌آموزان نوجوان به بهترین وجه بتوانند اخلاقیات و ارزش‌های اخلاقی را بیاموزند و تمرین کنند.
- از جمله محدودیت‌های پژوهش این بود که محققان نتوانستند الگوی طراحی شده را در میان دانش‌آموزان متوسطه به اجرا بگذارند تا میزان توفیق آن در مقام عمل هم مشخص گردد.

فهرست منابع

قرآن کریم

- اعرافی، علیرضا (۱۳۹۱). *فقه تربیتی*. قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
- افکاری، فرشته (۱۳۹۲). *نقد و بررسی رویکردهای تربیت اخلاقی در دوره ابتدایی در کتاب‌های درسی بخوانیم، بنویسیم، قرآن، هدیه‌های آسمان، تعلیمات اجتماعی و طراحی الگوی برنامه درسی*. رساله دکتری. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.
- امیدی، محمود؛ میرزامحمدی، محمدحسن؛ فراقی، قادر (۱۳۹۶). *بررسی مقایسه‌ای اهداف تربیت اخلاقی از دیدگاه روسو و آیت الله جوادی آملی؛ تطبیق دیدگاه‌های طبیعت‌گرایی و وحیانی*. *دوفصلنامه اخلاق و حیانی*، ۷(۲): ۱۶۲-۱۳۲.
- بهشتی، محمد (۱۳۸۱). *تربیت، اخلاق و تربیت اخلاقی*. *مجله معرفت*، ۱۰(۱): ۱-۱۰.
- تمیمی آملی، عبدالواحد (۱۳۸۴). *شرح غررالحکم و درر الکلم*. تهران: دانشگاه تهران.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷). *زن در آینه جلال و جمال*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). *سیره پیامبران در قرآن*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). *صورت و سیرت انسان در قرآن*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴ الف). *حق و تکلیف در اسلام*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴ ب). *شریعت در آینه معرفت*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵ الف). *توحید در قرآن*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵ ب). *پیامبر رحمت*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ الف). *سرچشمه اندیشه*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ ب). *مراحل اخلاق در قرآن*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ ج). *قرآن حکیم از منظر امام رضا (ع)*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ د). *شمیم ولایت*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). *دین‌شناسی*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ الف). *معاد در قرآن*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ ب). *ادب فنای مقربان*. قم: اسراء.

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ج). **صهباي حج**. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸د). **حکمت علوی**. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ه). **حکمت عبادات**. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸و). **سروش هدايت**. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ف). **تفسير انسان به انسان**. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ب). **منزلت عقل در هندسه معرفت دینی**. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰الف). **فطرت در قرآن**. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰ب). **جامعه در قرآن**. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰ج). **ادب فضا در اسلام**. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). **مهر استاد**. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵الف). **مبادی اخلاق در قرآن**. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵ب). **شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی**. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵ج). **مفاتیح الحیات**. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵د). **نسیم اندیشه**. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶). **تفسير تسنیم**. تهران: مهر.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷الف). **پیام به همایش ملی محبت و جایگاه آن در آموزه‌های اهل بیت (ع) با تأکید بر سیره رضوی (ع)**. قم: بنیاد بین‌المللی علوم و حیاتی اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷ب). **هدایت در قرآن**. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷ج). **بیانات در دیدار با پروفیسور ونسان فرولدی و هانری دوله‌وگ**. قم: بنیاد بین‌المللی علوم و حیاتی اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸). **اسلام و محیط‌زیست**. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۴۰۰). **تفاوت دنیا‌گریزی با مسئولیت‌پذیری در جامعه**. قم: خبرگزاری رسمی حوزه.

<https://www.hawzahnews.com/news/332206>

حائری شیرازی، محمدصادق (۱۳۹۹). **تمثیلات اخلاقی - تربیتی**. جلد اول. قم: معارف.

حسینی، حسین (۱۳۸۸). **انسان‌شناسی دینی - تربیتی از منظر شهید مطهری**. ماهنامه معرفت. (۱۴۱): ۳۶-۱۳.

دولت، محمدعلی (۱۳۹۶). آرای انسان شناختی آیت الله جوادی آملی و دلالت‌های آن در علوم تربیتی. رساله دکتری دانشگاه قرآن و حدیث.

سیف، علی اکبر (۱۴۰۰). اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی. تهران: دوران.
شاملی، عباسعلی؛ ملکی، حسن؛ کاظمی، حمیدرضا (۱۳۹۰). برنامه درسی، ابزاری برای نیل به تربیت اخلاقی. دوفصلنامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی. ۳(۲): ۷۷-۸۹.

شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۸۸). اجرای آزمایشی آیین‌نامه ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی دوره ابتدایی (ارزشیابی توصیفی). تهران: وزارت آموزش و پرورش.

شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. تهران: وزارت آموزش و پرورش.

شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۱). برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران. تهران: وزارت آموزش و پرورش.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۴). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

فلسفی، محمدتقی (۱۳۸۷). اخلاق از نظر همزیستی و ارزش‌های انسانی. تهران: فرهنگ اسلامی.
عباسپور، علی؛ عصاره، علیرضا، سبحانی نژاد، مهدی؛ احقر، قدسی (۱۳۹۸). طراحی و اعتبارسنجی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه اول با تأکید بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. دوفصلنامه پژوهش‌های آموزش و یادگیری. ۱۶(۲): ۱۸۳-۱۶۹.

عرسان کیلانی، ماجد (۱۳۸۶). فلسفه تربیت اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
غلام پور، میثم؛ پورشافعی، هادی؛ فراستخواه، مقصود؛ آیتی، محسن (۱۴۰۰). تبیین عناصر برنامه درسی تربیت اخلاقی با توجه به سیره رضوی. فصلنامه فرهنگ رضوی. ۹(۱): ۲۰۱-۱۷۹.

کنعانی هرنادی، ستاره؛ نوریان، محمد؛ نوروزی، داریوش؛ عبایی کوپایی، محمود (۱۳۹۷). الگوی برنامه درسی آموزش فلسفه برای کودکان بر اساس نتایج تحقیقات مرتبط. دوفصلنامه تفکر و کودک. ۹(۲): ۱۵۱-۱۲۱.

گندم کار، دنیا؛ قلناش، عباس؛ هاشمی، احمد؛ ماشینی، علی اصغر (۱۳۹۸). طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره متوسطه دوم مبتنی بر نظریه برخاسته از داده‌ها. فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی درسی. ۱۶(۱): ۳۴-۴۷.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: الوفاء.

- محصل، مرضیه (۱۳۹۵). اصول و مبانی تربیت هنری از منظر آیت الله جوادی آملی. فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی. ۱۳(۳): ۵۳-۳۱.
- مدور، معصومه (۱۳۹۹). الگوی تربیت اخلاقی مبتنی بر دیدگاه شهید مطهری (ره). رساله دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران.
- ملکی، حسن (۱۳۸۹). برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل). تهران: پیام اندیشه.
- ملکی، حسن (۱۳۸۵). سازماندهی محتوای برنامه درسی. تهران: مدرسه.
- نجفی، حسن (۱۴۰۰). طراحی و اعتباریابی الگوی برنامه درسی هویت دینی مبتنی بر تفسیر المیزان در دوره اول متوسطه. رساله دکتری دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.
- نجفی، حسن (۱۳۹۶). تربیت اخلاقی تطبیقی. جزوه درسی منتشر نشده. قم: مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت.
- نوری طبرسی، حسین (۱۳۶۶). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: آل البيت لاحیاء التراث.
- ولدخان، بشارتی، زهرا؛ ولدخانی، محمدمهدی (۱۳۹۶). تحلیلی بر تربیت اخلاقی با تکیه بر مولفه‌های سازنده آن در اندیشه آیت الله جوادی آملی. مجموعه مقالات سومین کنفرانس ملی روانشناسی علوم تربیتی و اجتماعی.
- Colaizzi, P.F (1978). **Psychological Research as the Phenomenologist Views It** . In R.S. Valle & M. King (Eds.). *Existential Phenomenological Alternatives for Psychology* (48-71). New York: Plenum.
- Jovanovic, M, Minic, V (2016). Individualisation of Teaching in the Process of Descriptive Assessment. **Journal of Educational and Instructional Studies**, 6(1), 28-37.
- O'Neill, G (2015). **Curriculum design in higher education: Theory to practice**. Dublin: UCD Teaching & Learning Retrieved From: <http://www.ucd.ie/t4cms/UCDTLP0068.pdf>
- Ornstein, A. C. & Hunkins, F. P (2018). **Curriculum Foundations, Principles and Issues**. (7th ed.). Boston: Pearson Education.
- Tyler, R (1949). **Basic Principles of Curriculum and Instruction**. Chicago: The University of Chicago Press.



الملخص

تم إجراء البحث الحالي بهدف تخطيط اسلوب برنامج الدرسي للتربية الأخلاقية بناءً على وجهة نظر جوادى الآملى. كان أسلوب البحث تحليليًا استنتاجيًا. شكلت جميع آثار الاولية المباشرة للجوادى الآملى، الوثائق اللازمة لتخطيط البرنامج الدرسي، و من بينها تم اختيار المواد المتعلقة بالأسس الفلسفية و عناصر البرنامج الدرسي، بشكل هادف. تم استخراج و استنتاج المواد المتعلقة بالأسس الفلسفية والافتراضات الأخلاقية فى سبع خطوات من خلال النموذج الذى اقترحه كلايزى (١٩٧٨) وتجلت تحت عناصر البرنامج الدرسي. وأظهرت النتائج أن البرنامج الدرسي لتربية الأخلاقية من الأنشطة التى من المتوقع أن يكون موجدًا للعلم و الاوصاف و السلوكيات الأخلاقيين لدى المتربى وتتضمن أربعة عناصر هي: الأهداف، المحتوى، طرق التعليم و التعلم، و طرق تقويم الارتقاء التحصيلى. تم تنظيم الأهداف التالية فى فئتين: النهائية (وصول المتربى إلى مكانة خليفة للهِمة و القرب الى الكامل المطلق) والوسيط (معرفة الجوانب المختلفة للنفس، معرفة الله، التفكير قبل القيام بفعل، اتباع الحق فى الأمور و التحاكم الأخلاقية، الوعى و العمل وفقًا للمسؤوليات، وتقوية قوة الإرادة، ورؤية الجمال فى أفعال الله، والاستعداد لخدمة الخلق، و المعرفة بنتائج الدنيوية والآخروية للنوايا والأفعال الأخلاقية) يكون المحتوى فى خدمة الأهداف و يجب أن يكون له مبادئ توجيهية مثل الأشكال المتنوعة، المنبثقة من القرآن و الروايات، متأثرة عن جو العصر، مع مراعاة تاريخ وأدب الإيران و الإسلام، و التلائم الحكيمه و الصلابة و اللطافة. طرق التعليم و التعلم لها اتجاه منطقى و مزيل الشبهات و عاطفى. تشمل طرق التقييم أيضاً التقييم الذاتى، رأى المربى و تحكيمه، المشاركة الفعالة للأولياء، و تقييم مجموعى للارتقاء التحصيلى، التى تنتهى الى حصول الاطمئنان بشكل خاص و يتم تنظيمها و تقديمها جميعاً فى خدمة التعلم الأخلاقى للمتربى و هى بعيدة عن النظر الخطية و الاضطراب.

الكلمات الرئيسية: التربية الاخلاقية، البرنامج التحصيلية، تخطيط النموذج؛ وجهة نظر الجوادى الآملى.

